آشنایی با تفسیر علمی قرآن

گفت وگو با: دكتر ناصر رفیعی محمدی و دكتر محمد علی رضایی اصفهانی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین علیهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

## شناسنامه کتاب

آشنایی با تفسیر علمی قرآن

گفت وگو با: دكتر ناصر رفیعی محمدی و دكتر محمد علی رضایی اصفهانی

تهیه كننده: مركز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه

ناشر: انتشارات مركز مدیریت حوزه علمیه قم

ویراستاران: محمد جواد شریفی، حمیده انصاری

حروف چین و صفحه آرا: حسن یوسفی

چاپ اول: زمستان ١٣٨١

تیراژ: ٢٠٠٠ نسخه

شابك: ٢ ـ ٣٥ ـ ٦٩١٨ ـ ٩٦٤

## مقدمه

بشر امروز همراه با تحولات جدید، پا به دوران نوینی گذاشته و با اندیشه ها و مكاتب جدیدی روبه رو شده است. اگر در گذشته سخن از الحاد و دین داری به میان می آمد، امروزه با تفسیر ملحدانه یا مؤمنانه از متون دینی روبه رو است. مسائل زبان شناسی، نشانه شناسی، پدیدار شناسی، هرمنوتیك و فلسفه ی زبان به شدت او را درگیر كرده است.

البتّه دین دارن و عالمان دینی، همواره در پی معنایابی متون دینی بوده اند و دانش مستقلی به نام علم تفسیر را، كه از چگونگی دست یابی به معانی مدلول الفاظ قرآن سخن می گوید، راه انداختند؛ زیرا بر این باور بودند كه خداوند متعال در نزول قرآن، مقصود و معنای خاصی را منظور داشته است و به تعبیر هرمنوتیك، نیت مؤلف در متن محفوظ است.

اهل تفسیر، روش ها و گرایش های گوناگونی در كشف مقصود شارع مقدس به كار برده اند. گرایش های مذهبی (شیعی، معتزلی، اشعری و...)، موضوعی (فقهی، ادبی، فلسفی، اجتماعی، تاریخی، علمی، سیاسی، تربیتی، عرفانی، اعتقادی و...) و نگارشی (موضوعی، تربیتی و مزجی) و نیز روش های قرآن به قرآن، روایی، اشاری و رمزی و عرفانی، عقلی و فلسفی، تفسیر به رأی و تفسیر علمی را مورد بحث قرار داده اند و هر یك از روش ها و گرایش ها كه به تفسیر به رأی منجر می شود، از آن جهت كه مراد متكلم را مخدوش سازد، مردود و نامشروع شمرده می شود

به هر حال، تفسیر صحیح و مشروع از قرآن، به رعایت ضوابط و شرایطی نیاز دارد كه تخطی از آنها، آدمی را به بی راهه می كشاند.

سیوطی در الاتقان می نویسد: روشن است كه خداوند خلقش را به اموری كه قابل فهم است، مخاطب قرار داده است؛ به همین جهت، هر رسولی را به زبان قومش ارسال، و كتابش را بر لغت آنها نازل می نمود؛ لكن علومی كه به عنوان مبادی تفسیر مورد استفاده قرار می گیرند عبارتند از: لغت، نحو، علم تعریف، اشتقاق، معانی، بیان، بدیع، قرائت، اصول دین، اصول فقه، اسباب نزول قصص و اخبار، ناسخ و منسوخ و علم فقه و...

پس روشن شد كه قرآن با این كه به زبان عربی نازل شده و از واژگان عرفی در تبیین مراد خداوند متعال استفاده شده است، ولی از آن رو كه معارف بلند و فراوانی در قالب الفاظ محدود جای گرفته و فاصله ی زمانی زیادی بین نزول قرآن و عصر حاضر تحقق یافته و نیز اصول و كلیات فراوانی در قرآن ذكر شده است، به تفسیر و رعایت ضوابط و قواعد مذكور نیازمند است. حال پرسش جدیدی كه پیش رفت های علوم جدیدی برای مفسران به ارمغان آورده این است كه آیا تئوری ها و فرضیه های علمی در تفسیر قرآن به مفسران مدد می رسانند یا این كه تفسیر علمی از مصادیق تفسیر به رأی «و من فسّر القرآن برأیه فقد كفر» است. پاسخ دقیق و عالمانه به این پرسش، متوقف بر چیستی تفسیر علمی و درك ضوابط و رعایت شرایط آن است، كه محققان فرزانه، حجج اسلام، آقایان دكتر رضایی اصفهانی و دكتر رفیعی بدان پرداخته اند.

در پایان بر خود فرض می دانم از مؤلفین محترم و نیز از حجج اسلام سید محمد علی داعی نژاد (معاونت تحقیقات)، سید محمد حسین میری (مدیر گروه قرآن) و حمید كریمی (مدیر پروژه ها) و هم چنین از مجریان، كارمندان، حروف نگاران، ویراستاران و سایر عزیزانی كه در آماده سازی این اثر زحمت خالصانه كشیده اند، تقدیر و تشكر نمایم.

عبدالحسین خسروپناه

جانشین مركز مطالعات و پژوهش های فرهنگی

حوزه ی علمیه ی قم

## تفسیر در لغت و اصطلاح

با توجه به این كه موضوع بحث ما تفسیر علمی است، تعریفی از واژه ی تفسیر بیان نمایید.

 دكتر رفیعی:

واژه ی تفسیر، دارای معانی لغوی متعددی است كه بیش تر این معانی دارای وجه مشترك اند؛ از جمله: كشف، روشن نمودن، آشكار ساختن، پرده برداری، ایضاح، ابانه، تفصیل، شرح دادن و از این قبیل معانی كه بسیار به هم نزدیك اند و همه ی این معانی در واقع به آشكار كردن و اظهار یك معنا و مفهوم بر می گردند؛ البته درباره ی ریشه ی لغت تفسیر، نظرهای مختلفی بیان شده است. برخی آن را از ماده ی «فسر» [١] و برخی از ماده ی «سفر» گرفته اند. [٢] عده ای نیز، واژه ی تفسیر را لغت «دخیل» دانسته اند؛ یعنی از زبان دیگری وارد زبان عربی شده است. [٣] به هر حال، واژه ی تفسیر یك بار در قرآن كریم استعمال شده است و به معنای روشن نمودن و آشكار ساختن است.

در ارتباط با معنای اصطلاحی تفسیر، برخی مطالبی را آورده اند كه به بحث علوم قرآن بر می گردد؛ [٤] مثل شناخت ناسخ و منسوخ و محكم و متشابه كه مستقیماً با تفسیر ارتباط ندارند؛ امّا مفسران تعاریف متعددی از معنای اصطلاحی تفسیر ارائه نموده اند؛ از جمله، علامه طباطبایی (ره) می فرمایند:

تفسیر عبارت است از: بیان كردن معنای آیه های قرآن و پرده برداری از اهداف و مقاصد و مدلول آیات. [٥]

مرحوم طبرسی (ره) دایره ی تفسیر را قدری محدودتر كرده و فرموده اند:

الفاظ مشكل قرآن را تبیین كردن و مراد از آن را بیان كردن [٦].

این معنای اصطلاحی با آن معنای لغوی «كشف، بیان و پرده برداری از آنچه مبهم است»، كاملاً تطابق دارد.

معنای اصطلاحی تفسیر با كدام یك از معانی لغوی آن سازگارتر است؟

 دكتر رفیعی:

همه ی معانی لغوی تفسیر با معانی اصطلاحی مطابق اند؛ هم چنین خود معانی لغوی به معنای واحدی برمی گردند؛ یعنی در واقع همه ی لغویون به شكلی واژه ها را تغییر داده و الفاظ مشابه آورده اند؛ لكن معنای پرده برداری و شرح و ایضاح، كه در لغت تفسیر آمده است، با معنای اصطلاحی آن تطابق بیش تری دارد.

## تفسیر و كشف مراد خداوند

فرمودید: «كشف مراد از كلام خداوند» ؛ در حالی كه الفاظ می توانند چند نوع معنا را افاده كنند؛ مثل مراد استعمالی و مراد جدّی. طبق تعریف شما، تلاش برای استخراج و كشف مراد استعمالی آیات (این كه در لغت چه كاربردهایی دارند) جنبه ی تفسیری ندارد. آیا این نقض بر تعریف شما وارد است؟

 دكتر رفیعی:

كشف مراد جدی خداوند، یعنی بیان مقاصد و اهداف گوینده، بخشی از تفسیر است. در تفسیر آیه، ضمن تبیین الفاظ و كشف ابهامات، باید مراد گوینده نیز به دست آید؛ لكن نباید چیزی بر ظاهر آیه تحمیل شود. طبیعی است كه منابعی برای تفسیر آیات در اختیار ماست؛ مثلاً اگر بخواهیم آیه ی (صِراطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیهِمْ) [٧] را تفسیر كنیم، در مرحله ی اول، واژه را معنا و تفسیر می كنیم تا اطلاعاتی از این آیه به مخاطب ارائه دهیم؛ سپس با قراردادن سایر آیات در كنار این آیه و با تبیین معانی لغوی و نیز احادیث و منابع و مدارك عقلی كه در اختیار داریم، فهم و برداشت خود را از این آیه اظهار می داریم؛ اما ممكن است این معنا مراد جدّی و قطعی خداوند نباشد و آیه معنای دیگری هم داشته باشد. طبیعی است كه فقط تبیین یك مصداق برای هر آیه صحیح نیست؛ لكن لازم است آن مراد كاربردی روشن شود و اسمش هم مراد جدّی گذاشته نشود.

دكتر رضایی:

به نظر می رسد كه در معنای تفسیر، سه عنصر اساسی وجود دارد:

1. كشف ابهامات؛ همان طور كه مرحوم طبرسی اشاره كرده اند: «كشف المراد عن اللفظ المشكل» . [٨] گاهی یك لفظ مشكل است، لكن باید معنایش روشن شود و ابهام لفظ برطرف گردد؛

٢. بیان مقاصد و اهداف گوینده؛ مثلاً حقیقت است یا مجاز؛

٣. اظهار این مطلب با قلم یا سخن؛ لذا گفته اند: باید عنصر كشف در تفسیر باشد و یك حالت مكاشفه داشته باشد؛ یعنی تا زمانی كه مطلب در ذهن باشد تفسیر نیست؛ اگر بیان شود، تفسیر است؛ از این رو، چنانچه تفكر در قرآن صورت گیرد، ولی بیان نشود، هنوز به مرحله ی تفسیر نرسیده است. [٩]

با یك مثال ساده مطلب تا حدودی روشن می شود؛ مثلاً خداوند خودش را در آیات قرآن، «سمیع و بصیر» معرفی كرده [١٠] و معنای لغوی و مراد استعمالی اش این است كه خداوند حس شنوایی و بینایی دارد؛ اما وقتی دقت كنیم و قراین دیگری، مثل آیه ی (لَیسَ كَمِثْلِهِ شَیءٌ) را در كنار این آیه بگذاریم یا با قراین عقلی بسنجیم، به این نتیجه می رسیم كه مراد از سمیع و بصیر، علم به اشیا و مسموعات و مبصرات است، نه داشتن چشم و گوش؛ در نتیجه، می توان گفت كه تفسیر عبارت است از: «تبیین مراد استعمالی و جدی آیات قرآن» كه البته این تفسیر باید بر اساس قواعد ادبیات عرب، اصول عقلایی محاوره و هم چنین با توجه به روایات اهل بیت عليهم‌السلام صورت گیرد. [١١]

## چیستی علم

مراد از علم در تفسیر علمی چیست؟

دكتر رضایی:

در عبارت «روش تفسیر علمی» سه واژه ی «تفسیر» «روش» و «علم» را داریم كه معنای تفسیر را تا حدودی روشن می كند.

در این جا، مقصود از علم، همان علم تجربی است. بر اساس دیدگاه مشهور، علوم به چهار دسته تقسیم می شوند:

١. علوم شهودی، مثل عرفان؛

٢. علوم نقلی، مثل تاریخ؛

٣. علوم عقلی، مثل ریاضیات، یا منطق؛

٤. علوم تجربی [١٢] كه به دو شاخه تقسیم می شود: الف) علوم طبیعی، مثل پزشكی و شیمی؛ ب) علوم انسانی، مثل جامعه شناسی و روان شناسی.

آنچه مورد بحث است، این دو شاخه از علوم تجربی است؛ یعنی گاهی در تفسیر قرآن، برای روشن شدن مفاد یك آیه، از علوم تجربی، مثل فیزیك، علوم پزشكی و امثال آن استفاده می شود، كه نتایج حاصل از آن را تفسیر علمی قرآن می نامند. پس مقصود از علم در این جا اصطلاح خاص (علوم تجربی) است، نه معنای منطقی علم كه عبارت از تصورات و تصدیقات ذهنی است. [١٣]

مراد از علوم تجربی، اعتقاد و یقین مطابق با واقع نیست؛ بلكه آن چیزی است كه از راه حسّ و تجربه به دست می آید و گاهی موجب روشن شدن مفاد آیات قرآن می گردد؛ مثلاً قران می فرماید:

(وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها) [١٤]؛ و خورشید كه پیوسته به سوی قرارگاهش در جریان است.

معمولاً واژه ی «تجری» را به معنای «حركت» به كار می برند؛ در حالی كه لازم است در این جا به یك نكته ی علمی و كیهان شناسی توجه شود، تا مفاد این آیه روشن گردد.

آیه ی شریفه می فرماید: خورشید در جریان است، نه این كه خورشید حركت می كند؛ «الشمس تحرك» . گاهی حركت گلوله را تحرك می نامیم؛ گلوله وقتی كه حركت می كند دیگر التهاب ندارد؛ اما وقتی آب در جوی حركت می كند زیر و زبر می شود. عرب به حركت آب در جوی «تجری» می گوید؛ یعنی وقتی كه آب در جوی وارد می شود زیر و رو می شود. امروزه دانشمندان در مباحث كیهان شناسی به این نتیجه رسیده اند كه خورشید فقط حركت نمی كند، بلكه در اثر انفجارات هسته ای مرتب مواد مذاب و گازی شكل بالا و پایین و زیر و زبر می شود؛ همانند آبی كه در جوی حركت می كند و در حال جریان است. [١٥] این یك نكته ی علمی است كه تفسیر آیه را بیش تر روشن می كند؛ یعنی با توجه به علوم تجربی، فهم آیه برای ما آسان تر می گردد.

## روش های تفسیری

علاوه بر تبیین روش علمی، روش های دیگر و ملاك مجزا كردن این روش با روش های دیگر چیست؟

دكتر رضایی:

در مباحث تفسیری گاهی «روش تفسیر» و گاهی «گرایش تفسیری» و، به زبان عربی، «منهج» یا «الوان» گفته می شود.

وقتی در تفسیر آیات قرآن از ابزار عقل استفاده كنیم و نتایجی به دست آید و مفهوم و مفاد آیه روشن شود، تفسیر عقلی است؛ هم چنین اگر با استفاده از روایات پیامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله یا ائمه ی اطهار عليهم‌السلام همراه با مبانی ویژه ای كه در مباحث روایات و حجیت خبر واحد است، مفاد آیه روشن شود، به این روش، روش تفسیر روایی گویند.

بنابراین، روش عبارت است از: استفاده كردن از ابزارهای خاصی برای تفسیر قرآن، با توجه به مبانی خاصی كه نتایج ویژه ای را به دنبال داشته باشد. [١٦]

روش دارای اقسام زیادی است؛ مثل روش تفسیر عقلی، تفسیر علمی، تفسیر روایی و تفسیر قرآن به قرآن. در تفسیر علمی قرآن از ابزار علوم تجربی استفاده می كنیم؛ یا به تعبیر دیگر، استخدام علوم تجربی برای فهم آیات قرآن كه نتایج مشخصی را هم به دنبال دارد؛ اما در گرایش های تفسیری وقتی كه مفسر به خاطر سلیقه و علاقه ی خاص یا تخصص ویژه اش، از مطالبی هم چون فلسفه یا مطالب علمی بیش از حد در تفسیرش استفاده كند، ولو این كه این ها را به عنوان ابزار به كار نبرد، گرایش تفسیری یا لون تفسیری می نامند؛ مثل تفسیر طنطاوی [١٧] كه حجم مطالب علمی آن زیاد است؛ و یا تفسیر فخر رازی [١٨] كه رنگ كلامی به خود گرفته است، هرچند ممكن است روش آن روش كلامی نباشد. روش و لون ملازمه ای با هم ندارند.

بنابراین، روش تفسیر قرآن یك بحث، و الوان و گرایش های تفسیری قرآن بحث دیگری است. به عقیده ی ما روش تفسیر علمی یك روش است نه یك رنگ؛ همان طور كه روش تفسیر قرآن به قرآن روش خاصی است، چون نتایج مشخصی را به دنبال دارد.

این روش ها نیز تقسیم بندی شده اند؛ گاهی آن را براساس نوع چینش مفسر، به تفسیر ترتیبی یا تفسیر موضوعی و گاهی به تفسیر نقلی یا تفسیر اجتهادی تقسیم كرده و روش تفسیر نقلی را نیز به روش تفسیر قرآن به قرآن (مانند: المیزان) و روش قرآن به روایات تقسیم نموده اند. تفسیر قرآن به دو بخش تفسیر ناقص و تفسیر كامل یا اجتهادی تقسیم می شود و روش ناقص، به روایی و غیرروایی تقسیم می شود كه روش غیرروایی شامل روش عقلی، علمی، عرفانی یا رمزی و امثال آن می شود. [١٩] البته بعضی قایل اند كه می توان روش تفسیری را از جهت اعتبار به معتبر و غیرمعتبر تقسیم نمود؛ در نتیجه، دیدگاه های مختلف و تقسیمات مختلف بر مبناهای خاصی وجود دارد.

لطفاً نظر خود را در این مورد و هم چنین درباره ی اقسام تفسیر بیان كنید؟

 دكتر رفیعی:

بحث دكتر رضایی درباره ی روش ها كافی بود. به نظر بنده باید بین روش های تفسیری و گرایش و به تعبیر بعضی از متأخرین، اتّجاهات و اهتمامات تفسیری) تفاوت گذاشت. گاهی مفسّر با روشِ تفسیرِ قرآن به قرآن، یا روش قرآن به حدیث، یا تفسیم بندی های عقلی، نقلی و غیره وارد می شود؛ اما صبغه ای كه دنبال می كند، صبغه ی فلسفی، یا كلامی یا اجتماعی یا اخلاقی است. طبیعی است كه اگر ما این دو را تفكیك كنیم و روش را شیوه ای بدانیم، مفسر بهتر برای فهم و تبیین مراد آیات آن را به كار می برد؛ مثلاً، ابن عباس معتقد است كه تفسیر بر چهار وجه است:

١. وجهی كه عرب آن را می فهمد؛

٢. تفسیری كه هیچ كس نسبت به جهل آن معذور نیست و باید همگان آن را بدانند؛

٣. تفسیری كه تنها علما و محققان آن را می دانند؛

٤. تفسیری كه فقط خدا از آن آگاه است. [٢٠]

در شیوه ی تفسیر هم برخی قایل اند كه اگر در تمام آیات سریان داشته باشد، طبیعی است كه دیگر روش نخواهد بود؛ متأخرین، در تقسیم بندی این ها را جزء اتجاهات و اهتمامات [٢١] یا گرایش ها، یا لون ها آورده اند. [٢٢]

اما یك دیدگاه این است كه خود روش ْ ناقص و كامل دارد؛ گاهی قابل سریان در همه ی آیات است و گاهی این طور نیست؛ كما این كه در روش تفسیر قرآن به حدیث، شاید ما برای همه ی آیات حدیث نداشته باشیم، یا در تفسیر قرآن به قرآن برای همه ی آیات نتوانیم در خود قرآن پشتوانه ای بیابیم. بدیهی است كه باید بین صبغه ی نظری مفسر و روش و شیوه ی او تفاوت گذاشت؛ مثل مرحوم علامه طباطبایی كه روش ایشان تفسیر قرآن به قرآن است، ایشان درباره ی روش تفسیر قرآن با قرآن می فرماید:

چه طور می توان پذیرفت كه قرآن بیان همه چیز باشد، اما بیان خودش نباشد، با این كه خدا درباره ی قرآن فرموده: (هُدىً لِلنَّاسِ وَ بَیناتٍ مِنَ الْهُدى وَ الْفُرْقانِ) ؛ [٢٣] چگونه ممكن است قرآن مایه ی هدایت و میزان سنجش خوب و بد و وسیله ی روشنی برای عالمیان باشد، ولی در موضوع فهم خود آیات قرآن كه جهانیان احتیاج شدید به آن دارند، آنها را مستغنی نسازد! [٢٤]

ایشان درباره ی نقص سایر روش های تفسیری می فرمایند:

وقتی درست دقت می كنیم می بینیم تمام روش های تفسیری در این نقیصه مشترك اند كه نتایج بحث های علمی یا فلسفی و غیر آن را از خارج گرفته و بر مضمون آیات تحمیل می كنند؛ لذا تفسیر آنها سر از تطبیق بیرون آورده است؛ روی همین جهت، بسیاری از حقایق قرآن را مجاز جلوه داده، و آیات را تأویل كرده اند؛ لازمه ی این طور تفسیرها این است كه قرآنی كه خود را (هُدىً لِلْعالَمینَ) و (نُورٌ مٌبینٌ) و (تِبْیانٌ كُلِ شَیءٍ) معرفی می كند از جای دیگر روشنی بگیرد و وسیله ی هدایتی از خارج بگیرد و بالاخره محتاج چیزی دیگر باشد. راستی این چیز دیگر چیست و تا چه اندازه ای ارزش دارد و اگر اختلافی در آن واقع شد چه باید كرد؟ [٢٥]

اما گاهی تفسیر، صبغه ی فلسفی و یا صبغه ی روایی و كلامی دارد؛ لذا بین این دو (روش و گرایش) باید فرق قایل شویم؛ لكن بعضی از مباحث، تا حدودی به الفاظ بر می گردد؛ در واقع آن شیوه ها و روش ها و الوان راه كارهای شخصی اند. هركدام از این ها در یك تقسیم بندی، بر اساس سلیقه بوده است.

بنابراین، «روش» گاهی اوقات به خاطر خود معارف قرآن است و معارف قرآن دارای ابعاد مختلفی است؛ مانند بعد عقلی، بعد عرفانی و ابعاد علمی؛ یعنی خود قرآن این تنوع نگاه ها و روش ها را اقتضا می كند، نه این كه چیزی از بیرون بر قرآن تحمیل شده و همه اش دید مفسر باشد، بلكه مقداری از آن هم اقتضائات علوم قرآنی است.

## پی نوشت ها:

[١] . خلیل بن احمد فراهیدی، كتاب العین، ج٣، ص ١٣٩٥، و ابن فارس، معجم مقاییس، ج٤، ص٥٠٤.

[٢] . بدرالدین زركشی، البرهان فی علوم القرآن، ج٢، ص١٦٣، و امین الخولی، التفسیر، ص٥٩.

[٣] . آرتور جفری، واژه های دخیل، ترجمه ی فریدون بدره، ص١٥٧.

[٤] . بدرالدین زركشی، همان، ج ١، ص ٢، ص ١٦٣.

[٥] . علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ١، ص ٧.

[٦] . امین الاسلام طبرسی، مقدمه ی مجمع البیان،

[٧] . سوره ی فاتحة الكتاب، آیه ی ٧.

[٨] . امین الاسلام طبرسی، مجمع البیان، ج١، ص١.

[٩] . ر.ك: محمدعلی رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ٣٨ـ٤٠.

[١٠] . سوره ی بقره، آیه ی ٢٢٤.

[١١] . ر.ك: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج٢، ص ٢١٣.

[١٢] . ر.ك: محمدعلی رضایی اصفهانی، همان، ص١٥٩.

[١٣] . العلم هو حصول صورة الشیء عند العقل، (مظفر، المنطق، ص١٤).

[١٤] . سوره ی یس، آیه ی ٣٨.

[١٥] . حسین نوری، دانش عصر فضا، ص١٢٦.

[١٦] . ر.ك: محمدعلی رضایی اصفهانی، همان، ص ٩٠.

[١٧] . ر.ك: طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن.

[١٨] . فخرالدین الرازی، تفسیر كبیر.

[١٩] . ر.ك: محمدعلی رضایی اصفهانی، همان، فصل روش های تفسیری، ص٩٠ـ١٠٣.

[٢٠] . طبری، جامع البیان، ج١، ص٣٤.

[٢١] . مراد مبحثی است كه مفسر در تفسیرش به آن اهتمام دارد، گاهی به دنبال توضیح قرآنی از طریق لغت است یا اعراب، یا... .

[٢٢] . جمعی از دانشمندان، العدد الاول، رسالة القرآن، ص١٨.

[٢٣] . سوره ی بقره، آیه ی ١٨٧.

[٢٤] . محمد حسین طباطبایی، همان، ج١، ص١٣.

[٢٥] . همان، ج١، ص٩.

## اقسام تفسیر علمی

لطفاً اقسام تفسیر علمی را بیان فرمایید؟

 دكتر رفیعی:

گاه تفسیر علمی از باب استخدام و تأیید محتوای آیات و به شكل اعتدالی است كه به آن تفسیر «علمی اعتدالی» می گوییم؛ مثلاً با استفاده از برخی مباحث روز، به تبیین آیاتی كه متضمن برخی مباحث علمی است می پردازیم كه این یك سبك و شكل است؛ به عنوان مثال، وقتی كه قرآن می فرماید: (رَبُّ الْمَشْرِقَینِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَینِ)، [١] اگر كسی بحث مشرق ها و مغرب های متعدد در این آیه را با كروی بودن زمین مرتبط بداند، این یك شكل «اعتدالی» است؛ نه آن كه به محض شنیدن یافته های علمی، آیه را با آن مطابقت دهیم و در مقابل آن خاضع شویم و یا به طور صددرصد علوم را طرد نماییم و آن را با قرآن بیگانه جلوه دهیم.

شكل دوّم، شكل افراطی است كه برخی از تفسیرهای علمی به آن مبتلا هستند و آن، تطبیق آیات قرآن با یافته ها یا حتی فرضیه های علمی است. اگر كسی یك فرضیه ی علمی را یافت، سعی می كند در مقابل آن خاضع شود؛ و با هر لطایف الحیلی آیه را با آن ارتباط دهد. این همان مشكلی است كه برخی، مثل طنطاوی، [٢] فكری [٣] و دیگران به آن مبتلا شده اند. مرحوم علامه طباطبایی (ره) این روش را نمی پسندند. ایشان می فرمایند:

نتایج بحث های علمی یا فلسفی و غیر آن را از خارج گرفته و بر مضمون آیات تحمیل می كنند و لذا، تفسیر آنها سر از تطبیق بیرون آورده است. روی همین جهت، بسیاری از حقایق قرآن را مَجاز جلوه داده و آیات را تأویل كرده اند. [٤]

خلاصه این كه، تفسیر علمی را می توان به دو قسمت تقسیم نمود: الف) افراطی؛ ب) اعتدالی؛ كه بخش افراطی همان تطبیق، و بخش اعتدالی، استخدام علوم و به كارگیری آن در تأیید محتوای آیات است.

دكتر رضایی:

در مورد اقسام تفسیر علمی، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد؛ [٥] به نظر ما روی كرد به تفسیر علمی، سه نوع است:

یك. گاهی برخی از مفسرین [٦] خواسته اند علوم را از قرآن استخراج كنند و، در حقیقت، سخن آنها ناظر به آیاتی مثل «تِبْیاناً لِكُلِّ شَی‏ءٍ» [٧] بوده است؛ چون قرآن بیان كننده ی همه چیز است، پس همه ی مطالب باید در ظواهر قرآن وجود داشته باشد؛ مثلاً زركشی در «البرهان» آورده است كه برخی، از آیه ی شریفه ی (إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها) [٨] بر اساس حروف ابجد پیش بینی نموده اند كه در سال ٧٠٢ زلزله ای صورت می گیرد و اتفاقاً چنین هم شد؛ و یا از آیه ی شریفه ی (إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ یشْفِینِ) [٩] آن جا كه خداوند از قول حضرت ابراهیم عليه‌السلام نقل می كند كه «وقتی من بیمار شدم اوست كه شفا می دهد.» علم پزشكی را استخراج كرده اند [١٠] و از حروف مقطعه ی اوایل سوره ها علم جبر را استفاده كرده اند. [١١] روشن است كه این روش، روش صحیحی نیست؛ زیرا همه ی علوم و ریزه كاری های علوم، ظرافت ها، فرمول های فیزیك، شیمی و غیره در ظواهر قرآن وجود ندارد و استخراج آنها از قرآن كاری بی ثمر و بی معناست.

دو. گاهی منظور از تفسیر علمی، تحمیل و تطبیق نظریه های علمی بر قرآن است؛ گاهی برخی از كسانی كه به سراغ تفسیر علمی رفتند سعی كردند نظریه های اثبات شده ی علوم را به آیات قرآن تحمیل كنند؛ مثلاً عبدالرزاق نوفل، نویسنده ی معروف مصری، درباره ی آیه ی شریفه ی (هُوَ الَّذِی خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِیسْكُنَ إِلَیها) [١٢] می گوید:

«انفسكم»، یعنی پروتون، و «زوجها»، یعنی الكترون و «لیسكن الیها»، یعنی حالت آرامشی كه بین این الكترون و پروتون برقرار شده و در نتیجه، این اتم از هم نمی پاشد و الكترون به طور مرتب به دور مركز اتم كه پروتون و الكترون است می چرخد. [١٣]

این سخن با ظاهر آیه و با معنای لغوی و اصطلاحی آیه سازگاری ندارد. روشن است كه این روش نیز روش صحیحی نیست. علامه طباطبایی (ره) در مقدمه ی المیزان به مسئله ی تطبیق می پردازد و آن را رد می كند. و می فرماید:

این گونه تفسیر علمی در یك قرن اخیر در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی بعضی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید. [١٤]

سه. گاهی منظور از تفسیر علمی این است كه ما برای فهم بهتر آیات قرآن از علوم استفاده كنیم؛ یعنی علوم را برای فهم بهتر آیات قرآن و روشن كردن و كشف معانی و مقصود خداوند تبارك و تعالی استخدام كنیم؛ به عبارت دیگر، هرچه علم بشر پیش رفت كند، موجب فهم بهتر برخی از آیات قرآن می شود، بدون این كه قصد استخراج علوم را از قرآن داشته باشیم.

مثلاً این آیه ی شریفه، مكرراً در قرآن كریم آمده است:

(إِنَّما حَرَّمَ عَلَیكُمُ الْمَیتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِیرِ...؛) [١٥] همانا خداوند، خون، میته و گوشت خوك را بر شما حرام كرده است.

وقتی كه علوم بشر پیش رفت می كند، روشن می شود كه خوردن خون، مردار، خوك و شراب چه ضررهایی برای بشر دارد. این پیش رفت های علمی، موجب روشن تر شدن معنای این آیات و فلسفه ی حرمت می شود؛ یا وقتی كه قرآن شریف می فرماید:

(اللَّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّماواتِ بِغَیرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها) [١٦] اشاره به این دارد كه بین آسمان ها، ستون هایی است كه نمی توان دید.

روایتی از وجود مقدس امام رضا عليه‌السلام در ذیل همین آیات وارد شده است:

(ثمَّ عَمَدٌ و لكِنْ لاتَروْنَها)؛ آن جا ستون هایی است؛ اما شما نمی بینید. [١٧]

این به چیزی مثل نیروی جاذبه و مانند آن اشاره دارد كه ممكن است بعداً كشف شوند؛ لذا می توان یكی از مصادیق آن را نیروی جاذبه دانست.

قرآن در جایی دیگر می فرماید:

(وَ أَرْسَلْنَا الرِّیاحَ لَواقِحَ) [١٨]؛ و ما بادها را فرستادیم كه عمل لقاح را انجام دهند.

در این آیه لقاح (آبستن كردن) گیاهان به وسیله ی باد به روشنی بیان شده است و حال آن كه بعد از قرن ها، علم بشر كشف كرده است كه ابرها با بار مثبت و منفی در اثر برخورد با هم بارور می شوند؛ [١٩] بنابراین، این اشاره ی علمی قرآن، اولاً، ما را به این جا می رساند كه نازل كننده ی قرآن از همه ی اسرار جهان اطلاع داشته است؛ ثانیاً، كشف های علمی، مثل نیروی جاذبه، توسط نیوتون و دیگران، مفادی از این آیات را برای ما روشن تر می كند، بدون این كه نظریه ای را بر قرآن تحمیل و یا مطلبی خلاف واقع را از قرآن استخراج كنیم.

پس، تفسیر علمی به سه قسم تقسیم می شود:

١. استخراج علوم از قرآن؛

٢. تحمیل و تطبیق بر قرآن (كه این دو قسم از نظر ما صحیح نبود)؛

٣. استخدام علوم در فهم قرآن، كه این روش صحیحی است.

## معیار روش علمی

نظر خود را در مورد این تقسیم بندی و هم چنین معیار روش تفسیری قرآن بیان بفرمایید؟

 دكتر رفیعی:

به نظر بنده مبنای تقسیم بندی علمی، دو قسم افراطی و اعتدالی است. استخراج علوم از قرآن، مانند پیش بینی زلزله در سالی خاص، یك بحث علمی نیست تا اسم آن را تفسیر علمی بگذاریم؛ زیرا هر آیه ای را به صرف اشاره به حادثه ای، نمی توان به تفسیر علمی انطباق داد.

پس تفسیر علمی دو قسم است: یكی افراطی و دیگری اعتدالی. در تفسیر اعتدالی مفسر می كوشد آیاتی را برای تأیید یك یافته ی علمی از علوم تجربی و غیره، كه علم بشر به آن رسیده است بیاورد و آن را در استخدام فهم بیش تر قرآن قرار دهد؛ مثلاً بحث زوجیت گیاهان در عالم هستی، [٢٠] گرده افشانی و عمل لقاح در گیاهان، [٢١] نقش بادها در پیدایش ابر و باران، [٢٢] كرویت زمین [٢٣] و...، بین آیه ی قرآن و بحث علمی تطابق هم وجود دارد. این آیه، ضمن این كه جنبه ی هدایتی دارد، می تواند معنایی علمی را هم در برداشته باشد. این همان تفسیر اعتدالی است كه بین مفسران [٢٤] رایج است.

قسم دوم، همان تطبیق و تحمیل یك نظریه یا فرضیه ی علمی به قرآن است كه به نظر ما درست نیست؛ مانند: «طیراً ابابیل» كه شیخ محمد عبده در تفسیرش می نویسد:

اعتقاد به این كه پرنده ی مورد نظر از جنس پشه و مگس و حامل میكروب برخی از امراض بود و یا سنگ های سمی با باد به پای پشه و مگس چسبید و با نشستن این حیوانات روی افراد، آنان مسموم شدند و گوشت های بدنشان ریخت، امری بعید نیست. [٢٥]

یا در تفسیر «دابّه» [٢٦] به قمرهای مصنوعی [٢٧] و در تفسیر «نفس واحده» [٢٨] به پروتون [٢٩]و در تفسیر «لوح محفوظ» [٣٠] به «اتر» [٣١] و مواردی دیگر، نظریاتی را بر قرآن تحمیل كرده اند؛ اما به تعبیر بنده، استخراج علوم از قرآن، یا تطبیق و تحمیل است و یا در واقع، بحث اعتدال در تفسیر است و شق سومی در كنار این دو نمی تواند باشد.

با توجه به این نكته، عمده ترین بحثی كه در روش تفسیر علمی باید به آن توجه شود و در واقع مخالفت ها و موافقت ها را به هم نزدیك می كند، سخنان مشترك آنهاست. مخالفین، لبه ی مخالفتشان روی كسانی است كه این شرایط را رعایت نكردند و موافقین هم با شرایط تفسیر علمی می گویند حرفشان صحیح است. من ادله ی مخالفین و موافقین را بررسی نموده ام [٣٢] این ادله را می توان با هم وفاق داد و آن وفاق همان بحث شرایط تفسیر علمی است.

دكتر رضایی:

یك بحث در این است كه تعریف تفسیر علمی بر كدام یك از این ها صادق است. آن تفسیر علمی ای كه علم را به عنوان ابزار در خدمت قرآن قرار داده و علوم را برای فهم بهتر قرآن استخدام كرده است مورد تأیید ماست؛ در جایی كه تحمیل نظریه یا استخراج باشد یا ـ به تعبیر دكتر رفیعی ـ افراط باشد، در حقیقت اصلاً تفسیر نیست؛ چون چیزی از مفاد آیه را روشن نكرده است، بلكه نظر خود را، به جای نظر خدا، بر آیه ی قرآن تحمیل كرده، یا نظریه ی یك دانشمند و یا یك نظریه ی علمی را به جای نظریه ی خدا نشانده است.

بنابراین، تعریف روشن تفسیر علمی، فقط بر همین قسم اخیر كه قسم صحیحی است انطباق می یابد؛ اما یك نكته را نباید از نظر دور داشت و آن این كه واژه ی «افراطی» یك واژه ی كلی است و حد و مرز مشخصی ندارد؛ خوب است كه ما این واژه را تقسیم نماییم و اقسام آن را در نظر بگیریم.

گاهی ما چیزی را از بیرون بر قرآن تحمیل می كنیم و گاهی مطلبی علمی را از قرآن بیرون می كشیم ـ تطبیقی در درون قرآن انجام می دهیم ـ مثل همان كاری كه «غزالی» در كتاب الجواهر كرده است و در كتاب احیاء العلوم نیز به آن اشاره دارد كه:

در قرآن هفتاد و هفت هزار علم وجود دارد. [٣٣]

هر یك از این ها دارای حد، مطلع، ظاهر و باطن است كه ضرب در چهار می شود. این همه علوم، كجای قرآن وجود دارد كه ما متوجه آن نمی شویم، یا ائمه عليه‌السلام بیان نكرده اند؟ بنابراین، این، قسمی از تفسیر ناصحیح علمی است و تحت ضوابط و معیارهای صحیح تفسیر علمی قرار نمی گیرد. اگرچه هر دو، نوعی ایجاد ارتباط بین علم و قرآن است، اما یكی از بیرون است و دیگری از درون.

 دكتر رفیعی:

به نظر من، با پرداختن به مبحث معیارها، مطلب قدری روشن خواهد شد.

این كه فرمودند: گاهی از درون و گاهی از بیرون؛ آیا تاكنون عالمی از درون قرآن، علمی را كه در بیرون نیست استخراج كرده است؟ من فكر می كنم نوع بحث، لفظی است؛ یعنی علوم بیرونی اند و مفسر می خواهد برای آن از قرآن تأیید پیدا كند؛ اما غزالی كه می گوید در قرآن هفتاد و هفت هزار علم وجود دارد، خود ایشان برای آن شاهدی نیاورده است.

## معیار صحیح تفسیر علمی

معیار صحیح تفسیر علمی چیست؟

 دكتر رفیعی:

شاید بسیاری از اختلافات مخالفین و موافقین به معیار تفسیر علمی برگردد. برای تفسیر علمی چند معیار لازم است: [٣٤]

معیار اول رعایت قوانین تفسیر است كه بعضی از این ها به مفسر و بعضی به متن بر می گردد. جناب سیوطی [٣٥] برای مفسر قرآن پانزده شرط ذكر نموده است. علمای الازهر در یك اطلاعیه و زرقانی در كتاب مناهل العرفان یازده شرط ذكر نموده اند.

پس اولین معیار، رعایت شرایط مفسر است؛ گرچه شاید نتوان مستقیماً آن را معیار تفسیر علمی خواند؛ لكن وقتی كه مثلاً یك عالم زیست شناسی كه هیچ اطلاعی از لغت عرب، ادبیات عرب یا از فصاحت و بلاغت ندارد و قصد تفسیر علمی قرآن را دارد، این معیار مورد استفاده قرار می گیرد.

معیار دوم این است كه به شأن و جایگاه قرآن توجه كنیم؛ یعنی مقام قرآن و نیز جایگاه شارع در تبیین قرآن آشكار گردد؛ آیا جایگاه قرآن، هدایت و رهاندن بشر از ضلالت و گمراهی است، یا تبیین مباحث فلسفی و علمی؟ در این باره قرآن می فرماید:

این كتاب، (هُدی للمتّقین) [٣٦] است؛ برای هدایت است، (یهْدِی لِلَّتِی هِی أَقْوَمُ) [٣٧] است؛ به راهی كه استوارترین راه هاست هدایت می كند.

قرآن با خطاب به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله پنج هدف را در آیه ی زیر بیان می كند:

(یا أَیهَا النَّبِی إِنَّا أَرْسَلْناكَ شاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً وَ داعِیاً إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِراجاً مُنِیراً) [٣٨]؛ ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذار كننده و تو را دعوت كننده ی به سوی خدا، به فرمان او و چراغی روشنی بخش.

به عقیده ی ما اگر آیه ای اشاره ی علمی دارد، آن هدف اصلی نبوده، بلكه بیان آن به خاطر شأن هدایتی بوده است. وقتی قرآن ١٤ قرن پیش به عنوان مثال می فرماید: (وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها) [٣٩] درست است كه این آیه اشاره ی علمی دارد، اما هدف از آن برداشت هدایت است؛ حال شما از (وَ الشَّمْسُ تَجْرِی) پی به خالقش ببرید یا به توحیدش؛ لذا اغلب آیات علمی قرآن در پایان به مسئله ی توحید، معاد و هدف دار بودن خلقت بر می گردد؛ مثلاً در معرفی كافر می گوید:

كافر مثل كسی است كه از جو بیرون رود و نتواند نفس بكشد. [٤٠]

درست است كه این یك بیان علمی است كه خارج از جَو، اكسیژن نیست، ولی این در واقع در مقابل آیه ی (أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) [٤١] و نیز نداشتن حیات معنوی كافر است.

معیار سوم كه شاید مختص باشد این است كه، تكیه بر قوانین علمی قطعی است نه بر فرضیه ها و نظریه های حدسی؛ حال اگر مفسر بزرگواری به صرف احتمال دادن حیات در كرات دیگر، از آیه ی (یرْسَلُ عَلَیكُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ) [٤٢] (خدا بر سر شما شراره های آتش و مس گداخته فرود می آورد تا هیچ نصرت و نجاتی نیابید) استفاده ی حیات نماید و آن را كنایه از این بداند كه در میان ساكنان كرات دیگر و كره ی زمین در آینده جنگی در می گیرد و آنها آتش بر سر زمینیان می ریزند و این ها دفاع می كنند، این یك فرضیه یا نظریه است؛ یا مثلاً به بمب اتم یا ماهواره ها تعبیر كند، همان بحث افراطی است كه لطمه می زند؛ لذا معیار سوم، تكیه بر قوانین علمی قطعی و پرهیز از فرضیه ها و نظریه هاست.

معیار چهارم كه خیلی مهم است، ارتباط بین قانون علمی و آیه ی مورد نظر است؛ مثلاً می گوید آب «H2O» است و این مسلم است؛ اما از هر آیه ای می توان به عنوان پشتوانه برای این قانون علمی استفاده نمود؟ پس باید بین قانون علمی و آیه ارتباط باشد.

معیار پنجم این است كه تعارضی بین تفسیر علمی و حقایق و مضامین قطعی شرعی نباشد.

دكتر رضایی:

از ظهور «پوپر» (حدود ٥٠ سال پیش) ما چیزی به عنوان «قانون» در علم نداریم و حتی ممكن است چیزی به عنوان «قطعیت» هم نداشته باشیم ـ البته بعضی منكرند ـ بنابراین، هرچه هست ـ به قول بعضی فیزیك دانان ـ افسانه های مفید است [٤٣]؛ یعنی نظریه هایی كه ما بر اساس آن هواپیما می سازیم و با آن مسافرت می كنیم؛ ولی این نظریه ها، ابطال پذیرند نه اثبات پذیر؛ به عبارت دیگر، این مطالب ممكن است هیچ وقت اثبات نشوند، بلكه مورد نقض قرار گیرند، ولی در عین حال تا وقتی كه مفید و كارسازند از آن استفاده می كنیم و با آمدن نظریه ی بهتر، آن را جای گزین می كنیم.

ما در علم چیزی به عنوان قانون قطعی اثبات شده نداریم؛ همان طور كه فرمودید، باید اولاً مسائل را به صورت غیرقطعی به قرآن نسبت داد؛ یعنی بگوییم كه احتمالاً این آیه ی قرآن به نیروی جاذبه اشاره دارد. در كتابی [٤٤] حدود ٣٠٠ مورد از آیات علمی قرآن را بررسی كردیم، شش مورد از اعجاز علمی قرآن را پذیرفتیم و ٢٩٤ مورد را رد كردیم؛ پس نباید تئوری های ظنی را به طور قطعی به قرآن نسبت دهیم؛ البته برخی موارد ممكن است پشتوانه اش دلیل عقل یا بداهت حسی باشد؛ مثل حركت زمین، در این موارد می توانیم به صورت احتمالی نسبت دهیم كه به دام تفسیر به رأی نیفتیم، و تغییراتی كه در علوم حاصل می شود به قرآن راه پیدا نكند و به تفسیر ما ضرر نزند.

## پی نوشت ها:

[١] . سوره ی الرحمن، آیه ی ١٧.

[٢] . ر.ك: الطنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن.

[٣] . ر. ك: علی فكری، القرآن ینیوع العلوم و الفرقان.

[٤] . محمدحسین طباطبایی، همان، ج١، ص٧.

[٥] . برای مطالعه بیش تر ر.ك: رضایی، همان، ص٣٧٤ـ٣٨٠.

[٦] . غزالی، جواهر القرآن، ص ٣٧، فصل خامس.

[٧] . سوره ی نحل، آیه ی ٨٩.

[٨] . سوره ی زلزال، آیه ی ١.

[٩] . سوره ی شعرا، آیه ی ٨٠.

[١٠] . غزالی، همان، ص٢٧.

[١١] . ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج٢، ص٤٨١.

[١٢] . سوره ی اعراف، آیه ی ١٨٩؛ اوست خدایی كه همه ی شما را از یك تن آفریده و از او نیز جفتش را مقدر داشت، تا به او انس و آرام گیرد.

[١٣] . عبدالرزاق نوفل، قرآن و العلم الحدیث، ص١٥٦.

[١٤] . محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج١، ص٦.

[١٥] . سوره ی بقره، آیه ی ١٧٣.

[١٦] . سوره ی رعد، آیه ی ٢.

[١٧] . محمد حسین طباطبایی، همان، ج١١، ص ٢٨٦، بحث روایی.

[١٨] . سوره ی حجر، آیه ی ٢٢.

[١٩] . عباسعلی سرفرازی، رابطه ی علم و دین، ص٣٦.

[٢٠] . سوره ی ذاریات، آیه ی ٤٩.

[٢١] . سوره ی حجر، آیه ی ٢٢.

[٢٢] . سوره ی فاطر، آیه ی ٩.

[٢٣] . سوره ی معراج، آیه ی ٤٠.

[٢٤] . محمد حسین طباطبایی، همان، ج١، ص٧.

[٢٥] . محمد عبده، تفسیر جزء عم، ص١٦١.

[٢٦] . سوره ی نحل، آیه ی ٨٢.

[٢٧] . عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ٢١٢.

[٢٨] . سوره ی اعراف، آیه ی ٧١٩.

[٢٩] . عبدالرزاق نوفل، همان، ص ١٥٥.

[٣٠] . سوره ی بروج، آیه ی ٢١.

[٣١] . محی الدین عجوز، معالم القرآن فی عوامل الاكوان، ص٣٨٩.

[٣٢]. برای مطالعه ی بیش تر ر.ك: ناصر رفیعی محمدی، تفسیر علمی قرآن، ج٢، ص١٧٣ـ ١٩٧.

[٣٣] . ابوحامد غزالی، احیاء علوم الدین، ج١، ص٣٦١.

[٣٤] . ر.ك: ناصر رفیعی محمدی، همان، ج٢، ص ٢٠٩ - ٢٣٨.

[٣٥] . جلال الدین سیوطی، الاتقان، ج٢، ص ٣٩٧.

[٣٦] . سوره ی بقره، آیه ی ٢.

[٣٧] . سوره ی اسراء، آیه ی ٩.

[٣٨] . سوره ی احزاب، آیه ی ٤٦ـ٤٧.

[٣٩] . سوره ی یس، آیه ی ٣٨.

[٤٠] . سوره ی انعام، آیه ی ١٢٥.

[٤١] . سوره ی رعد، آیه ی ٢٨.

[٤٢] . سوره ی رحمن، آیه ی ٣٥.

[٤٣] . ر.ك: محمد علی رضایی اصفهانی، همان، بحث قطعیت علوم بشری و قانون.

[٤٤] . محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن.

## ادله ی موافقان تفسیر علمی

دلیل موافقان تفسیر علمی قرآن چیست؟

دكتر رضایی:

برخی با روش استخدام موافق اند و بسیاری از مفسرین و غیرمفسرین، مخالف این روش هستند؛ البته در هر روشی عده ای موافق اند و عده ای مخالف و دلایلی نیز برای موافقت و یا مخالفت دارند؛ ولی مسلماً در تفاسیر امروزی، شیعه و اهل سنّت، به دلایلی، از این روش علمی زیاد استفاده می شود؛ حتّی شاید بتوان گفت عدم استفاده از آن باعث نقصان در تفسیر می گردد.

دلیل اوّل كشفیات و یافته های قطعی علمی موجب روشن شدن معنای آیات می شود و این همان چیزی است كه در اصطلاح به آن تفسیر گویند. «تفسیر» یعنی تبیین و توضیح مفاد آیات و نیز بیان اهداف خداوند از آنها؛ پس گاهی ناچاریم در بعضی آیات از یافته های علوم تجربی استفاده كنیم تا مفهوم آیه روشن شود؛ مثلاً آیات اول سوره ی حج و سوره ی مؤمنون، مسئله ی مضغه، علقه، مخلقه، غیرمخلقه و مراحلی كه جنین در رحم مادر می گذراند را بیان می كند كه با مراجعه به یافته های علم پزشكی معنای آنها روشن می گردند.

نتیجه این كه، یكی از دلایل موافقان این است كه یافته های علوم تجربی می تواند كمكی در روشن تر شدن آیات قرآن باشد. برخی معتقدند حدود ٥٠٠ تا ١٠٠٠ آیه، اشاره به علوم تجربی دارد.

قرآن برای همه ی انسان هاست و از جمله مخاطبان اولیه ی آن مسلمانان صدر اسلام بودند كه از این یافته های علوم تجربی اطلاعی نداشته اند. آیا آنها واقعاً به روشنی مطالب را نمی فهمیدند؟

دكتر رضایی:

دكتر ذهبی [١] به این نكته اشاره نموده و آن را جزو دلایل مخالفان تفسیر علمی بیان كرده است و آن این كه آیا از ١١٠٠ سال قبل تا حال، این مفاهیم تغییر كرده است یا نه؟ ما این دلیل را در ضمن دلایل مخالفان پاسخ خواهیم داد.

این كه فرمودید «فهم روشنی»، لازمه اش این است كه، كسانی كه از یافته های تجربی استفاده نكردند فهم روشنی نداشته باشند، در حالی كه برخی تعبیر به تبیین دارند؛ به نظر شما كدام یك بهتر و درست است؟

دكتر رضایی:

ما بر سر واژگان بحثی نداریم. آنچه كه تفسیر نامیده می شود، تبیین آیات قرآن و روشن كردن مقاصد گوینده است؛ این هنر، از تفسیر علمی نیز برمی آید. تفسیر علمی نیز، همانند تفسیر قرآن به قرآن، موجب روشن شدن معنای آیات می شود. لزوماً این طور نبوده كه مخاطبان قرآن در صدر اسلام، همه ی مطالب آن را متوجه شوند؛ زیرا قرآن سطوح مختلف مردم را در نظر می گیرد. گاهی بعضی از آیات خیلی عمیق اند؛ مثلاً در مورد آیات اول سوره ی حدید، (هُوَ الْأَوَّلُ وَ اْلاخِرُ وَ الظَّاهِرُ و الباطن) و نیز سوره ی فاتحه، روایت داریم كه این آیات را، مردم آخرالزمان [٢] خواهند فهمید؛ لذا با گذشت زمان و رشد علمی بشر، یك سری تعبیرها و تفسیرهای جدید برای فهم بهتر آیه ها به وجود می آید. مسائل علمی قرآن نیز به همین صورت است. برخی از آیات قرآن اشارات علمی دارد، و تا زمانی كه علوم پیش رفت نكند، بشر متوجه این اشارات نمی شود؛ مثلاً این كه قرآن می فرماید: «شراب حرام است، چون ضرر آن بیش تر از نفع آن است» [٣] ممكن است كاملاً برای افراد آن زمان مشخص نبوده باشد، ولی امروزه با كشف ضررهای متعدد شراب در زمینه های اجتماعی، پزشكی و روانی، مقصود آیات بهتر روشن می گردد.

دلیل دوّم: كشفیات جدید و قانون های ثابت شده ی علمی و یافته های قطعی تجربی می تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات كند؛ یعنی یكی از ابعاد اعجاز قرآن، اعجاز علمی آن است. قرآن حدود ١٤٠٠ سال قبل مطلبی را بیان كرده است كه بشر آن روز ـ با توجه به علوم تجربی خود ـ نمی توانست آن را بفهمد و بعدها این مطلب كشف شد.

بنابراین، این مطلب نشان می دهد كه قرآن معجزه است؛ البته در این زمینه ادعاهای افراطی و نیز استفاده های غلط و مخالف شده است، ولی اصل قضیه صحیح است، هرچند موارد آن كم باشد.

فرهنگ علمی آن زمان به مواردی هم چون نیروی جاذبه، [٤] مسئله ی حركت خورشید و جریان آن، [٥] حرمت شراب، [٦] زوجیت گیاهان [٧]، مراحل خلقت انسان، [٨] مسئله ی لقاح و آبستن شدن گیاهان و ابرها، و... [٩] نرسیده بود و الآن به آن رسیده اند و این دلیلی بر اعجازِ علمی قرآن است.

دلیل سوم: وقتی مخاطب قرآن متوجه شود كه قرآن، اشاراتی علمی بالاتر و جلوتر از فكر بشر داشته است، ایمانش به قرآن و اسلام عمیق تر و زیادتر می شود. ما به وضوح متوجه می شویم كه نسل جوان مخاطب قرآن، شیفته ی این نوع تفسیرند. پس باید مواظب باشیم، تا به دام تفسیر به رأی و تحمیل نظریات بر قرآن نیفتیم.

آیا این كه در برخی موارد اثبات اعجاز علمی قرآن موجب اشتیاق و ازدیاد ایمان افراد می شود به دلیل قبلی برنمی گردد؟

دكتر رضایی:

این نتیجه ی همان دلیل قبلی است. طرف داران تفسیر علمی این را یكی از دلایل تفسیر علمی می دانند؛ البته گاهی اعجاز اثبات می شود و گاهی نمی شود. در مواردی كه اعجاز اثبات نمی شود، باز هم شگفتی ها و اشاراتِ علمی قرآن، یك نوع شوق و شادی برای افراد، مخصوصاً برای متخصصین، ایجاد می كند و علاقه ی آنها را به قرآن و دین زیادتر می كند؛ مثلاً برای پزشك ها نكات پزشكی قرآن گفته می شود.

دلیل چهارم: گاهی نكات علمی قرآن موجب جذب غیرمسلمان ها به طرف قرآن و اسلام می شود؛ پس تلاش در این زمینه، یك نوع ترویج اسلام است؛ چون برخی از افراد این راه را رفته اند و كتاب هایی هم در زمینه ی اشارات علمی قرآن نوشته اند؛ مثلاً دكتر «موریس بوكای» فرانسوی، در كتاب تورات، انجیل، قرآن و علم، [١٠] كه چندین بار به فارسی و عربی ترجمه شده است، اعجاز علمی قرآن را با تورات و انجیل و علوم روز مقایسه نموده و ایمان خود را به قرآن ابراز كرده است. آیا درست است ما در این زمینه تلاش نكنیم و اعجاز علمی قرآن را بررسی ننماییم؟ ما می توانیم با بیان اعجاز علمی قرآن حقانیت و برتری آن را بر كتاب تورات و انجیل به اثبات برسانیم. ما باید از بُعد علمی قرآن، برای جذب دیگران به طرف اسلام و اثبات حقّانیت قرآن و اسلام استفاده كنیم. البته بسیاری از تفاسیر رایج و موجود ـ چه شیعی و چه سنی ـ از روش علمی استفاده نموده اند؛ مثل تفسیر نمونه و المیزان.

## ادله ی مخالفان تفسیر علمی و نقد آن

دلایل مخالفان روش تفسیر علمی چیست؟

دكتر رضایی:

مشهورترین مخالفان تفسیر علمی،آقای شاطبی، [١١] دكتر ذهبی، [١٢] شیخ محمد شلتوت [١٣] و... هستند كه دلایل متعددی آورده اند.

دلیل اوّل: قرآن كتاب هدایت است، پس هدف آن، هدایت بشر به سوی كمال، خدا، و دین است، نه بیان مسائل علمی؛ زیرا اولاً، قرآن، كتاب فیزیك، شیمی و پزشكی نیست، تا این گونه مطالب از آن استخراج شود. در حقیقت تفسیر علمی قرآن، ما را از هدایت معنوی و اخلاقی و اعتقادی باز می دارد؛ ثانیاً، این طریق موجب تأویل قرآن به صورت تحمیلی می شود كه این تأویلات با اعجاز قرآن و ذوق سلیم ناسازگار است؛ ثالثاً، علم، ثبات و قرار و سخن قاطع ندارد؛ چه بسا امروز چیزی ثابت می شود و فردا خلاف آن اثبات می گردد؛ این موجب ورود خطاهای علوم به قرآن می شود و ما در مقام دفاع قرار می گیریم.

پاسخ دلیل اول: این حرف درستی است كه قرآن كتاب هدایت است، منتها گاهی در راستای همان هدف، قرآن از اشارات علمی استفاده كرده است و این اشارات، انسان را به طرف خدا رهبری می كند و هدف اصلی هم نیست.

قبلاً گفته شد كه تفسیر علمی سه قسم است: ١. استخراج علوم از قرآن؛ ٢. تحمیل نظریات بر قرآن؛ ٣. استخدام علوم در فهم بهتر قرآن. اگر كسی بخواهد علوم مختلف را از قرآن استخراج كند و قرآن را كتاب فیزیك، شیمی و پزشكی قرار دهد، كار اشتباهی است و ما نیز با آن مخالفیم. آنچه كه ما از آن دفاع می كنیم، استخدام علوم در فهم قرآن است.

دلیل دوّم: علوم تجربی قطعی نیستند، بلكه نظریه هایی تغییرپذیرند كه بعد از مدتی از میدان علم خارج می شوند؛ لذا به طور قطعی نمی توان روی این نظریات حساب باز كرد و قرآن را بر اساس آن تفسیر نمود؛ مثلاً تفسیر قرآن بر اساس هیأت بطلیموسی فخر رازی [١٤] كه از آیه ی شریفه ی «الَّذِی جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِراشاً» [١٥] ساكن بودن زمین را استفاده می نمود، با هیأت جدید ـ هیأت كوپرنیكی و كپلر ـ نمی سازد؛ زیرا این نظریه و تفسیرْ دگرگون می شوند؛ بنابراین، تغییرات علوم بر حوزه ی تفسیر قرآن وارد می شود و در حقیقت، قرآن با نظریه های تغییرپذیر و متزلزل تفسیر می گردد و در نتیجه، تضادها و تغییرات علوم در حوزه ی قرآن و تفسیر نیز راه می یابند.

پاسخ دلیل دوم: این كه بگوییم علوم تجربی در حال تغییرند، در اصلْ سخن خوبی است و ما حق نداریم نظریه های علمی را با قرآن تطبیق بدهیم. البته ما تفسیر علمی را به سه نوع تقسیم كردیم و این اشكال به نوع دوّم (تحمیل نظریات بر قرآن) وارد است؛ یعنی اگر كسی نظریات اثبات نشده ی علمی را بر قرآن تحمیل كند، این اشكال به آن وارد است؛ امّا در جایی كه از علوم قطعی استفاده شود، چنانچه به صورت قطع روان شناختی، دیدگاه هایی كه به وسیله ی حس تأیید شده اند، یا اجماع دانشمندان بر آن است و با دلایلی عقلی پشتیبانی می شود را به صورت احتمالی به قرآن نسبت دهیم اشكالی بر آن وارد نیست. می دانیم كه زوجیت در عالم موجودات مسئله ای قطعی است و ظاهر آیات قرآن [١٦] نیز دلالت بر مسئله ی زوجیت می كند، پس احتمالاً قرآن می خواهد همین زوجیت را كه امروزه در جهان علم مطرح است برای ما بیان كند. اگر ما نظریه های اثبات نشده ی علمی را بر ظواهر قرآن تحمیل و تطبیق كنیم، این اشكال بر آن وارد است. پس اصل آن را می پذیریم، ولی اگر شیوه ی صحیح تفسیر علمی انجام شود، در این صورت این اشكال وارد نمی شود؛چون بسیاری از مفسرین علمی به همین اشكال دچار شدند؛ مثل فخر رازی و متأخرین كه در ١٠٠ ساله ی اخیر زیاد به این دام افتادند؛ ولی این وقتی است كه معیارهای صحیح تفسیر علمی رعایت نشود. همان طور كه شما در تفسیرقرآن هم ممكن است به دام تفسیر به رأی بیفتید، این جا هم ممكن است به دام تفسیر به رأی یا تطبیق یا تحمیل بیفتید.

دلیل سوم: تفسیر علمی، منجر به تفسیر به رأی می شود؛ یعنی متخصّصان علوم مختلف، با ورود به حوزه ی تفسیر، آیات قرآن را با مسائل علمی تطبیق می كنند و به علت نداشتن تخصص كافی در علوم قرآنی و تفسیری و عدم تشخیص تفاوت نص و ظاهر، یافته های تجربی را به قرآن تحمیل می كنند؛ مثلاً بمب اتم را از آیه ی «و المُرسِلاتِ عُرفاً فَالعاصِفات عصْفاً» [١٧] استخراج می كنند، [١٨] و یا در سوره ی فیل مقصود از آمدن ابابیل را، بیماری وبا و حصبه تلقی می نمایند. [١٩] این روش دارای معیارهای تفسیر علمی نیست و موجب می شود تفسیر علمی به تفسیر به رأی و تحمیل نظریات تبدیل شود.

پاسخ دلیل سوم: این دلیل خوب است؛ امّا باز این اشكال به روش تفسیر علمی نیست، بلكه اشكال به كسانی است كه بدون تخصص وارد این روش شده اند. آنها باید كار خود را زیر نظر افراد خبره انجام دهند تا به تفسیر به رأی منتهی نشود؛ هم چنان كه در تفسیر قرآن به قرآن هم اگر افراد غیر متخصص، قرائن عقلی و نقلی را در نظر نگیرند، موجب تفسیر به رأی می شود؛ لكن در حوزه ی تفسیر علمی این مسئله بیش تر بوده است؛ چون متخصصان علوم مختلف ـ كه تخصص در تفسیر قرآن نداشته اند ـ به صرف علاقه، وارد این حوزه شده و مشكلات بیش تری به وجود آورده اند.

دلیل چهارم: تفسیر علمی منجر به تأویل می شود؛ مثلاً موافقین و مخالفین نظریه ی داروین یا نظریه ی تكامل انسان و حیوانات، آیه ی ٥٩ سوره ی آل عمران و آیه ی ١١ سوره ی صافات، را كه موافق و مخالف نظریه ی خودشان بوده است، تأویل كرده اند. كسانی كه طرف دار نظریه ی داروین بودند، وقتی كه وارد آیات قرآن می شدند، آیاتی را كه ظهورشان مخالف نظریه ی داروین بود را تأویل می كردند؛ [٢٠] هم چنین بالعكس. [٢١] این هم صحیح است؛ امّا این اشكال به مفسر است نه به تفسیر علمی.

دلیل پنجم. تفسیر علمی ذوقی است و معیاری ندارد؛ در حالی كه ما تفسیر قرآن به قرآن را دارای معیار می دانیم. [٢٢] مخالفان تفسیر علمی قایل اند كه تفسیر علمی، معانی قرآن را مجاز می كند. ما باید در معنا كردن آیات به صدر اسلام رجوع كنیم؛ در صدر اسلام چیزی به عنوان الكترون و پروتون نداشتیم؛ امّا عبدالرزاق [٢٣] نوفل در آیه ی شریفه ی (خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً...) [٢٤] أنْفُسِكُمْ را به معنای پروتون و أَزْواجاً را به معنای الكترون گرفته است؛ در حالی كه این الفاظ در آن موقع چنین مفاهیمی نداشت و مخاطب چنین چیزی را از آن نمی فهمید.

پاسخ دلیل پنجم: این اشكال در جایی وارد است كه ما مفاهیم جدید علمی را بر آیات قرآن تحمیل كنیم؛ امّا اگر از قطعیات علوم برای روشن شدن آیه استفاده كنیم، نه تحمیل است و نه تطبیق. در آن زمان علم به الكترون و پروتون وجود نداشته تا ما بخواهیم آن را از آیات قرآن بیرون بكشیم؛ لكن با یافته های جدید پزشكی می توان آیه های اوّل سوره ی حج و مؤمنون را كه در بیان مراحل خلقت جنین است توضیح داد. ما قایلیم كه آیه ی شریفه ی (رَفَعَ السَّماواتِ بِغَیرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها) [٢٥] دلالت بر وجود ستون های نامرئی بین كرات آسمانی دارد. امروزه علم، به این ستون های نامرئی كه كرات آسمانی را در حوزه ی هم دیگر نگه می دارد و به درون هم دیگر می چرخاند و مانع خروج آن از مسیر می شود، نیروی جاذبه می گویند. امروزه نیز «عَمَد» به معنای ستون است و به همین معنا، تفسیر و ترجمه می شود؛ لكن یكی از مصادیق آن نیروی جاذبه است، نه این كه به معنای نیروی جاذبه است. البته افرادی مثل عبدالرزاق نوفل و دیگران كه در تفسیر علمی به انحراف رفته اند، زیاده روی كرده و خواسته اند مفاهیم را بر قرآن تحمیل كنند.

این عمل درست نیست و موجب مجازیت معانی قرآن می شود و قرآن اصلاً تحمّل چنین چیزی را ندارد؛ بنابراین، تفسیر علمی موجب تبیین و توضیح و یافتن مصادیق تازه ای برای آیه می شود و فهم ما را نسبت به آیه روشن تر می كند.

دلیل ششم: تفسیر علمی موجب می شود كه مفسر، نظریات و یافته های مورد نظر خود را بر قرآن تحمیل و تطبیق نماید.

این اشكال به یك قسم از تفسیر علمی وارد است، نه هر سه قسم آن؛ یعنی تحمیل نظریه ها بر قرآن صحیح نیست، امّا استخدام علوم در فهم قرآن درست است.

دلیل هفتم: تفسیر علمی موجب مادیگری و انحرافات فكری در سطح جامعه می شود.

البته این اشكال خوبی است، ولی اشكال به تفسیر علمی نیست، بلكه اشكال به مفسرینی است كه به انحراف رفته اند.

## پی نوشت ها:

[١] . التفسیر و المفسرون، ج٢، ص٤٩١.

[٢] . حویزی، نورالثقلین، سوره ی حدید، آیه ی ١.

[٣] . إِثْمُهُما أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِما، سوره ی بقره، آیه ی ٢١٩.

[٤] . سوره ی رعد، آیه ی ٢ و سوره ی لقمان، آیه ی ١٠.

[٥] . سوره ی یس، آیه ی ٣٨.

[٦] . سوره ی محمد، آیه ی ١٥.

[٧] . سوره ی یس، آیه ی ٣٦.

[٨] . سوره ی حج، آیه ی ١٥.

[٩] . سوره ی حجر، آیه ی ٢٢.

[١٠] . ترجمه ی مهندس ذبیح الله، تهران، ج٣، ص٣٣٨.

[١١] . ر.ك: ابواسحاق شاطبی، الموافقات، چاپ مصطفی.

[١٢] . ر.ك: محمد حسین ذهبی، همان.

[١٣] . ر.ك: محمد شلتوت، تفسیر القرآن الكریم.

[١٤] . فخرالدین رازی، تفسیر كبیر، ذیل آیه ی ٢٢ سوره ی بقره.

[١٥] . سوره ی بقره، آیه ی ٢٢.

[١٦] . سوره ی یس، آیه ی ٣٦.

[17] . سوره ی مرسلات، آیه ی ١ و ٢.

[١٨] . سید قطب، تفسیر فی ظلال قرآن، ج ٦، ص ٣٧٩، جزء ٢٩.

[١٩] . محمد عبده، تفسیر جزءعم، ص ١٦١.

[٢٠] . آیت الله مشكینی، تكامل از دیدگاه قرآن، ص ١٧.

[٢١] . مسییح مهاجری، نظریه ی تكامل از دیدگاه قرآن، ص ٥٤.

[٢٢] . ر.ك: محمد علی رضایی اصفهانی، درآمدی به تفسیر علمی قرآن، ص ٣٨٢

[٢٣] . عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ١٥٦.

[٢٤] . سوره ی اعراف، آیه ی ١٨٩.

[٢٥] . سوره ی رعد، آیه ی ٢.

## هدف از مباحث علمی در قرآن

وجود این كه قرآن كتاب هدایت است و انبیای الهی نیز برای هدایت انسان ها به سوی معنویت و خداوند آمده اند، می بینیم كه بعضی از آیات قرآن كریم به مباحث علمی پرداخته اند؛ هدف از وجود این آیات در قرآن كریم چیست؟

دكتر رضایی:

این سؤال از سؤالات اساسی در روش تفسیر علمی است. درباره ی اهداف آیات و مسائل علمی قرآن، سه تصور می توان نمود:

١. هدف اصلی قرآن، بیان مسائل علمی آن است و همه ی علوم و معارف بشری در قرآن وجود دارد؛ همان طور كه قرآن می فرماید:

(نَزَّلْنا عَلَیكَ الْكِتابَ تِبْیاناً لِكُلِّ شَی‏ءٍ) [١]؛ قرآن بیان كننده همه چیز است.

٢. هدف اصلی قرآن هدایت بشر است، اما در راستای این هدف می توان از اشارات علمی نیز استفاده نمود؛ بدین صورت كه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله می فرماید: «تِبْیاناً لِكُلِّ شَی‏ءٍ» است، امّا قرینه ی لُبی دارد كه اگر یك پزشك گفت من یك كتاب آورده ام كه همه چیز در آن است، مقصود از همه چیز، مربوط به پزشكی است. پیامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله وقتی كه طبق آیه ی شریفه می فرمود: خداوند قرآنی بر ما نازل كرده كه بیان كننده ی همه چیز است، مرادش بیان همه ی چیزهایی است كه مربوط به دین، در راستای هدف قرآن و هدایت بشر می باشد. استفاده از آیاتِ علمی نیز در راستای همین هدف است؛ مثلاً در آیه ی (اللَّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّماواتِ بِغَیرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها ثُمَّ اسْتَوى عَلَى الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ یجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمًّى) [٢] مسائل مختلفی را مطرح می كند؛ بعد در آیه ی «وَ هُوَ الَّذِی مَدَّ الْأَرْضَ» [٣] مسائل مربوط به این كه آسمان ها را بدون ستون برافراشتیم كه عدّه ای به نیروی جاذبه حمل كردند و نیز مسئله ی حركت خورشید و ماه، مسئله ی زمین و كوه ها را مطرح می كند و بعد می فرماید:

(إِنَّ فِی ذلِكَ لآیاتٍ لِقَوْمٍ یتَفَكَّرُون) [٤]

این ها برای این است كه شما تفكر كنید، از نشانه های حضرت حق به وجودش پی ببرید.

پس اشارات علمی قرآن، در راستای هدف اصلی هدایت بشر به سوی خدا، دین و قیامت است؛ هم چنین در آیه ی دیگر می فرماید:

(لَعَلَّكُمْ بِلِقاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ) ؛ [٥] این نشان ها برای این است كه شما به لقاء پروردگارتان در قیامت ایمان پیدا كنید.

٣. اشارات علمی قرآن به نحو سمبلیك و بر اساس فرهنگ زمان مطرح شده است. در قرآن این اشارات علمی، حالت معرفت شناختی یا حالت سمبلیك دارد و ناظر به عالم خارج نیست.

به عقیده ی ما این دیدگاه صحیح نیست؛ زیرا اگر قرآن صحبت از علم می كند، در حقیقت قصد گسترش معرفت بشر و توضیح خارج و واقعیت خارجی را دارد، در حدی كه پیش گویی های علمی اش، اعجاز علمی به شمار می آید. پس در حقیقت، هدف اصلی قرآن هدایت بشر است و باید از اشارات علمی قرآن استفاده كرد.

## اهداف و فواید وجودی آیات علمی قرآن چیست؟

دكتر رفیعی:

 آقای رضایی مطالب را از سه منظر مطرح كردند كه من سعی می كنم كمی آن مطالب را باز كنم. بدون تردید، تعدادی از آیات قرآن كریم، به طور مستقیم یا ضمنی، متضمن مباحث علمی است. وقتی این آیات در كنار سایر آیات قرار گیرد، یقیناً مباحث علمی مطلوب بالذات قرآن نیست، بلكه هدف دیگری را دنبال می كند. با یك تقسیم بندی می توان اهداف آیات علمی در قرآن را به دو بخش تقسیم نمود:

الف) اهداف اصلی؛ ب) اهداف فرعی. آقای دكتر رضایی، هدایت را جنبه ی اصلی گرفتند، در حالی كه می توان آن را به موضوعات فرعی تقسیم كرد. شاید بتوان سه هدف را در مورد آیات الهی بیان كرد.

هدف اوّل و اصلی از آیات علمی در قرآن كریم ـ كه در این هدف، سایر آیات علمی مشترك اند؛ مثل آیات فقهی و آیات اخلاقی ـ اثبات وجود خدای متعال و توحید است. [٦] بسیاری از مباحث علمی وقتی در قرآن مطرح می شوند، در پایان این نكته را تذكر می دهند كه پس آفریننده ی این ها كیست؟ ببینید كه موجد این ها كیست؟ آیا دست بشر می تواند در آن دخالت كند؟ به عنوان مثال، در سوره ی مباركه ی آل عمران می فرماید:

(إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیلِ وَ النَّهارِ لَآیاتٍ لِأُولِی الْأَلْبابِ). [٧]

نقل شده است كه رسول خدا این آیات را، مخصوصاً در شب، زیاد می خواند و گاهی هم می فرمود:

(وَیلٌ لِمَنْ قَرَءَها و لَم یتَفَكَّر فیها)؛ وای بر كسانی كه این پنج آیه را بخوانند (٩١ تا ٩٥ آل عمران) و در آن تفكر نكنند.

میثم تمار نیز نقل می كند:

می دیدم مولایم علی عليه‌السلام شب هایی به آسمان نگاه می كرد و این پنج آیه را می خواند و اشك می ریخت.

قرآن كریم بعد از این كه به آسمان ها و زمین و اختلاف شب و روز اشاره می كند، می فرماید: (رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلاً) این برای پی بردن به باطل نبودن آفرینش است. از آیه ی (سُبْحانَكَ فَقِنا عَذابَ النَّارِ) پی می بریم كه چه كسی آفرینش را ایجاد كرده است. سوره ای در قرآن یافت نمی شود ـ به خصوص سوره های مكی ـ مگر این كه در آن به عالم هستی و تأمل در نظم و خلقت اشاره یا تصریحی شده است، تا عقل بشر را برای تفكر در خلقت الهی تحریك كند؛ آن گاه از مخلوق به خالق، از طبیعت به ایجاد كننده ی آن، از مسبب به سبب و از مصنوع به صانع پی ببرد. خدای متعال فكر بشر را به سوی دقیق ترین، عظیم ترین، كوچك ترین و بزرگ ترین امور هستی فرا می خواند و این، آن چیزی بود كه اعراب (صدر اسلام) به فطرت سلیم اعتراف كردند. [٨]

هدف دوّم: كه باز هم یكی از اهداف اصلی است این است كه آیات علمی برای اثبات معاد و هدف دار بودن خلقت آمده اند؛ مثل آیة:

(فَلْینْظُرِ الْإِنْسانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ یخْرُجُ مِنْ بَینِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ إِنَّهُ عَلى رَجْعِهِ لَقادِرٌ ) [٩]

كه بعد از مطرح كردن بحث آفرینش، می فرماید: «خداوند به بازگردانیدن همه ی آفرینش قادر است» ؛ یعنی بحث معاد را از آن نتیجه می گیرد.

(كَیفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْواتاً فَأَحْیاكُمْ ثُمَّ یمِیتُكُمْ ثُمَّ یحْییكُمْ ثُمَّ إِلَیهِ تُرْجَعُونَ؛) [١٠] چگونه شما به خدا كفر می ورزید؛ همان طور كه شما را به این جهان آورد، مجدداً شما را از قیامت یا پس از برزخ بر می گرداند.

هدف سوم این كه، آیات علمی در ردّ عقیده ی كفار و مشركان و مادهّ پرستان است؛ كسانی كه می گفتند كه هر چه هست همین دنیاست. (ما هِی إِلاَّ حَیاتُنَا الدُّنْیا) ؛ [١١] چیزی حز این دنیا نیست. (وَ ما یهْلِكُنا إِلاَّ الدَّهْرُ) ؛ [١٢] همین روزگار است كه ما را می میراند. بخشی از آیات علمی، به تحقیر این عقیده ی مشركان پرداخته، می فرماید:

شما جمع بشوید می توانید حتی یك مگس را بیافرینید؟ شما فكر كنید و بیندیشید آیا می توانید شبیه آن را ایجاد كنید؟ [١٣]

خلاصه این كه، اهداف آیات علمی قرآن به دو بخش تقسیم شد: اهداف اصلی و اهداف فرعی. در اهداف اصلی سه هدف (توحید معاد و رد تحقیر كفار و مشركین) مطرح شد. (البته می توان هر سه عنوان را در یك عنوان كلی مثل هدایت گرفت؛ یعنی هدایت به خداوند، به معاد، به ماوراء الطبیعه). در بخش اهداف فرعی نیز می توان یك هدف را توجه بشر به بعد علمی اش دانست. خداوند در قرآن كریم گله می كند و می فرماید:

(وَ كَأَینْ مِنْ آیةٍ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ)؛ چه نشانه هایی در آسمان و زمین است! (یمُرُّونَ عَلَیها) ؛ بعضی از كنارش رد می شوند (وَ هُمْ عَنْها مُعْرِضُونَ) ؛ و حال آن كه آنها از آن روی برمی گردانند. [١٤]

منظور از توجّه در آیه ی (أفلا ینْظُرُونَ إلَی الإبل كَیفَ خُلِقَت) [١٥]نگاه ظاهری به شتر نیست، بلكه خرد شدن و دقت در مباحث علمی است؛ یعنی این موضوع دارای چه ویژگی ای است كه خداوند در قرآن به نظر و تفكر و تأمل در آن توجه می دهد. پس یك هدف فرعی، توجه به جنبه های علمی، برای پی بردن به آن است؛ یعنی جنبه های علمی، طریقی برای هدف اصلی است. وقتی قرآن كریم به یك نكته ی علمی اشاره می كند و یا وقتی كه پیامبر گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله گله می كند و می گوید: (ویلٌ لمِنَ قَرَءها و لَمْ یتَفَكّر فیها؛) وای بر كسانی كه آیات سوره ی آل عمران را بخوانند و تفكر نكنند»، منظور از تفكر چیست؟ پی بردن به بعد علمی آیه یك هدف است. هدف فرعی دیگر، بحث اعجاز است. وقتی كه قرآن كریم می فرماید: ده سوره مثل این قرآن بیاورید، [١٦] و در جای دیگر می فرماید: یك سوره بیاورید، [١٧] لازمه اش این است كه این قرآن مشتمل بر جنبه های مختلف اعجاز است، یكی از آنها اعجاز علمی است كه بزرگان و علما ذكر كرده اند. [١٨]

پس می توان گفت اهداف اصلی آیات علمی قرآن، توحید، معاد، توجه به ماوراء الطبیعه و نفی عقیده ی مشركان، و اهداف فرعی آیات ـ كه كمك به اهداف اصلی است ـ شامل بررسی آیات، تطبیق آن ها بر یافته های علمی و یقینیات و پی بردن به اعجاز علمی قرآن می شود.

دكتر رضایی:

 یكی از فواید اشارات علمی قرآن، توجه بیش تر انسان به طبیعت است. وقتی كه قرآن می فرماید: (أفَلا ینْظُرونَ َإلَی الإبلِ كَیفَ خُلِقَتْ) [١٩]

انسان را به طبیعت، بر خلقت خودش و به جنینی كه در شكم مادر است توجه می دهد. این باعث دقت بیش تر مسلمانان در این مسائل و رشد علوم تجربی در بین آنان می شود. شاید بسیاری از مسائل علمی قرآن، موجب انگیزه ای در مسلمانان برای شناخت بهتر حیوانات و دیگر موجودات شدند؛ مثلاً علم پزشكی، مسئله ی نجوم و مسائل كیهان شناسی در بین مسلمانان بسیار رشد نمودند.

## موضوع آیات علمی قرآن

آیات قرآن به موضوعات مختلفی پرداخته است؛ محورهای اصلی این آیات چه طور ترسیم شده است؟ آیا تقسیم بر اساس موضوعات مختلف است یا چیز دیگر؟

دكتر رضایی:

 در بخش آیات علمی قرآن بین ٥٠٠ تا ٧٠٠ آیه را بر شمرده اند كه به مسائل علمی اشاره دارند؛ لكن در بعضی از این آیات اختلاف است؛ زیرا در این آیات، محورهای مختلفی وجود دارد. به نظر من بر اساس موضوع آیات می توان آنها را به محور های مختلف تقسیم نمود؛ مثلاً بعضی از آیات قرآن، مربوط به جهان و كل هستی، آسمان ها و پیدایش آسمان هاست و بعضی در مورد این كه در آستانه ی قیامت چه اتفاقاتی در جهان خواهد افتاد. قرآن به نكات ریز علمی ای كه امروز در مسائل كیهان شناسی مطرح است و در مورد پیشینه و فرجام جهان، به مسئله ی زمین و كرویت زمین، مسئله ی جاذبه ی زمین؛ در خصوص انسان (خلقت، مراحل جنین، عجایب وجود انسان و غذا های مورد استفاده ی انسان)، در اثبات یك مسئله مثل زوجیت گیاهان [٢٠] غذاهای حرام، [٢١] غذاهای نجس [٢٢]، مسئله ی بهداشت و نیز در مورد عسل به عنوان شفا [٢٣] و گاهی به كوه ها پرداخته است:

(وَ تَرَی الجبالَ تَحسبُها جامَدَةً و َهِی تَمُرَّ مَرَّ السَّحابِ؛) [٢٤] كوه ها را می بینید فكر می كنید كه ایستاده است، در حالی كه مثل ابر در حال حركت هستند.

دكتر رفیعی:

 در تعداد آیات علمی قرآن اختلاف است و تا هزار آیه هم ذكر شده است.

در گذشته، بیش ترین آیات علمی مورد توجّه، آیات مربوط به هیأت و نجوم [٢٥] بود. آیات علمی قرآن را می توان به دو بخش تقسیم نمود:

١. آیات هستی شناختی و طبیعت شناختی؛ ٢. آیات زیست شناختی. مقصود از آیات هستی شناختی و طبیعت شناختی آیاتی است كه درباره ی مظاهر هستی و طبیعت اند. بخش عمده ای از آیات علمی به بحث هستی شناسی و طبیعت شناسی مربوط اند كه محورهای آنها درباره ی آسمان و زمین در موارد زیر می باشد:

آفرینش آسمان ها و زمین، [٢٦]

ماده ی اصلی آسمان، [٢٧]

بالا بردن آسمان بدون ستون، [٢٨]

گسترش آسمان ها، [٢٩]

فقدان اكسیژن در ارتفاعات، [٣٠]

بنای آسمان در نهایت استحكام، [٣١]

موجودات زنده در آسمان ها، [٣٢]

كرویت زمین، [٣٣]

وجود گازها در مورد زمین، [٣٤]

دوران آفرینش زمین، [٣٥]

نقصان زمین، [٣٦]

حركت زمین و خورشید، [٣٧]

وجود مواد سنگین در درون زمین، [٣٨]

تغییر آسمان و زمین و فنای آن. [٣٩]

هم چنین موارد دیگر هستی شناسی عبارت است از:

خورشید و ماه، [٤٠] كوه ها، [٤١] ابر و باران، [٤٢] باد [٤٣] و دریاها. [٤٤]

٢. بخش علوم زیست شناسی است كه این ها نیز چند دسته اند: گیاهان، [٤٥] حیوانات، [٤٦] انسان [٤٧] و مباحث و آیات طبی. [٤٨]

## پی نوشت ها:

[١] . سوره ی نمل، آیه ی ٨٩.

[٢] . سوره ی رعد، آیه ی ٢.

[٣] . سوره ی رعد، آیه ی ٣.

[٤] . سوره ی رعد، آیه ی ٣.

[٥] . سوره ی رعد، آیه ی ٢.

[٦] . عبدالله شحاته، تفسیر الایات الكونیه، ص ٣٠.

[٧] .سوره ی آل عمران، آیه ی ١٩٠.

[٨]. عبدالله شحاته، همان، ص ٣٠.

[٩] . سوره ی طارق، آیه ی ٥ ـ ٨.

[١٠] . سوره ی بقره، آیه ی ٢٨.

[١١] . سوره ی جاثیه، آیه ی ٢٤.

[١٢] . همان.

[١٣] . سوره ی حج، آیه ی ٧٣.

[١٤] . سوره ی یوسف، آیه ی ١٠٥.

[١٥] . سوره ی غاشیه، آیه ی ١٧.

[١٦] . سوره ی هود، آیه ی ١٣.

[١٧] . سوره ی بقره، آیه ی ٢٣.

[١٨] . كتب فراوانی در زمینه ی جنبه های اعجاز قرآن تألیف شده است؛ از جمله: اعجاز بیانی از نظر فصاحت و بلاغت؛ اعجاز از نظر اشتمال بر معارف الهی؛ اعجاز از نظر فقدان اختلاف در آن؛ اعجاز از نظر قانون گذاری؛ اعجاز در اخبار از غیب؛ اعجاز در تبیین فلسفی هستی؛ اعجاز از بیان اخبار و تاریخ گذشتگان؛ اعجاز از نظر ایجاز و اطناب؛ اعجاز در بیان اخبار علمی و اسرار هستی.

[١٩] . سوره ی غاشیه، آیه ی ١٧.

[٢٠] . سوره ی نمل، آیه ی ٨٩.

[٢١] . سوره ی یس، آیه ی ٣٦.

[٢٢] . سوره ی مائده، آیه ی ٣.

[٢٣] . سوره ی نحل، آیه ی ٦٦.

[٢٤] . سوره ی نحل، آیه ی ٦٩.

[٢٥] . حافظ ابراهیم، الاشارات العلمیه فی القران الكریم، ص ٥. و ابوحامد غزالی، احیاء العلوم، ج ١، ص ٢٨٩.

[٢٦] . سوره ی سجده، آیه ی ٤؛ سوره ی فصلت، آیه ی ١١؛ سوره ی رعد، آیه ی ٢ و سوره ی ق، آیه ی ٦.

[٢٧] . سوره ی فصلت، آیه ی ١١.

[٢٨] . سوره ی رعد، آیه ی ٢.

[٢٩] . سوره ی ذاریات، آیه ی ٤٧.

[٣٠] . سوره ی انعام، آیه ی ١٢٥.

[٣١] . سوره ی ق، آیه ی ٦.

[٣٢] . سوره ی شوری، آیه ی ٢٩.

[٣٣] . سوره ی زمر، آیه ی ٥.

[٣٤] . سوره ی نازعات، آیه ی ٣٠.

[٣٥] . سوره ی فصلت، آیه ی ١٠٩.

[٣٦] . سوره ی رعد، آیه ی ٤١.

[٣٧] . سوره ی نمل، آیه ی ٨٨.

[٣٨] . سوره ی زلزال، آیه ی ١ ـ ٢.

[٣٩] . سوره ی ابراهیم، آیه ی ٤٨.

[٤٠] . سوره ی ابراهیم، آیه ی ٣٣؛ سوره ی یونس، آیه ی ٥ و سوره ی نمل، آیه ی ١٢.

[٤١] . سوره ی سباء، آیه ی ٧ و سوره ی مرسلات، آیه ی ٢٨.

[٤٢] . سوره ی مؤمنون، آیه ی ١٨.

[٤٣] . سوره ی حجر، آیه ی ٢٢.

[٤٤] . سوره ی نمل، آیه ی ١٤ و سوره ی فرقان، آیه ی ٥٣.

[٤٥] . سوره ی طه، آیه ی ٥٣؛ سوره ی رعد، آیه ی ٤؛ سوره ی یس، آیه ی ٨٠؛ سوره ی یس، آیات ٣٣ ـ ٣٥؛ سوره ی نمل، آیه ی ٦٠ و سوره ی انعام، آیه ی ٩٩.

[٤٦] . سوره ی نحل، آیات ٥ ـ ٨؛ سوره ی مؤمنون، آیه ی ٢٢؛ سوره ی نمل، آیه ی ٦٦؛ سوره ی ملك، آیه ی ١٩؛ سوره ی نمل، آیه ی ٦٨ و سوره ی نمل، آیه ی ٩٩.

[٤٧] . سوره ی مریم، آیه ی ٢٨؛ سوره ی طارق، آیه ی ٥. سوره ی مؤمنون، آیه ی ١٤؛ سوره ی قیامت، آیه ی ٣.

[٤٨] . سوره ی اعراف، آیه ی ٣١؛ سوره ی بقره، آیه ی ٢٣٣؛ سوره ی مائده، آیه ی٣ و سوره ی مریم، آیه ی ٢٥.

## معنای اعجاز علمی

اعجاز علمی به چه معناست؟ آیا قرآن كریم علاوه بر این كه از نظر اعجاز ابعاد مختلفی دارد، از نظر علمی هم دارای اعجاز است یا نه؟ آیا كسی منكر این بعد از اعجاز قرآن می باشد؟

دكتر رضایی:

 قرآن كریم در آیات متعددی در رابطه با اعجاز علمی قرآن و رابطه ی آن با تفسیر علمی مردم را به مبارزه می طلبد و به اصطلاح «تحدّی» می كند؛ هم چنان كه می فرماید:

(وَ إِنْ كُنْتُمْ فِی رَیبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلى عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ) [١] اگر شما بر آنچه به پیامبر اسلام نازل كرده ایم شك می كنید، یك سوره مثل آن بیاورید.

برخی از مفسرین [٢] معتقدند كه این یك دعوت عام و شامل ابعاد گوناگونی است؛ یعنی همان طور كه قرآن كریم از نظر فصاحت و بلاغت و بیان قوانین معجزه است، از لحاظ مسائل علمی و رازگویی های علمی نیز معجزه است. قرآن از زوجیت عام [٣] سخن می گوید (همه چیز به صورت زوج است) در صدر اسلام كسی از این مطلب اطلاعی نداشت، هر چند كه در مورد زوجیت گیاهان مطالبی می دانستند؛ و این نشانه ی رازگویی و اعجاز قرآن است كه چند قرن بعد، این مطلب كشف شده است. قرآن می فرماید:

ما از هر چیزی زوج آفریدیم. [٤]

نكته این كه، بعضی از موارد تفاسیر علمی، منتهی به اعجاز علمی قرآن می شود. اعجاز علمی یعنی اولاً، آیه گزاره یا مطلب علمی ای را در مورد مسائل طبیعت بیان كند (مثل: آسمان ها، زمین، گیاهان و روابط پدیده های طبیعی)؛ ثانیاً، رازآگین باشد، یعنی در زمان صدر اسلام كسی از آن اطلاعی نداشته باشد؛ پس اگر چیزی با این دو خصوصیت باشد، اعجاز علمی قرآن نامیده می شود. [٥]

## معیار تشخیص اعجاز علمی

دلایل و ملاك های تشخیص آیات اعجاز علمی چیست؟

دكتر رضایی:

 همان مواردی كه در بحث تفسیر علمی بیان كردیم، در این جا نیز وجود دارد؛ یعنی هر اعجاز علمی ای ناچاراً نوعی تفسیر علمی نیز هست. در این جا بسیاری از شرایط تفسیر علمی رعایت نشده است؛ علاوه بر آن، بعضی از مطالبی را كه اعجاز دانسته اند اعجاز نیستند؛ مثل حركت زمین. [٦] در یونان قبل از اسلام، نظریه هایی در مورد حركت زمین وجود داشته است، همان طور كه در هیأت بَطلَمَیوسی، سكون و مركزیت زمین مطرح بوده است؛ لذا نمی توان آن را اعجاز دانست. چیزی اعجاز علمی است كه قبل از اسلام سخنی از آن گفته نشده، یا كسی از آن اطلاع نداشته و بعدها كشف شده باشد؛ مانند نیروی جاذبه كه از این آیه به دست آمد:

(رَفَعَ السَّماواتِ بِغَیرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها) خداوند آسمان ها را با ستون هایی كه دیدنی نیست، آفرید.

یكی از مصادیق آیه را می توان نیروی جاذبه گرفت؛ زیرا ما این آیه را ناظر بر مطلب علمی می دانیم كه قرن ها بعد از ظهور اسلام كشف شده است، پس این آیه یك اعجاز و رازگویی قرآن است.

با توجّه به این كه در صدر اسلام ارتباطات به این نحو نبوده است، یعنی اگر مطلبی در یونان كشف می شد، شاید به عربستان نمی رسید و برای آنان كشف نمی شد، و این كه قرآن توسط یك فرد امّی آورده شده است، آیا می توان ضمیر در «من مثله» را به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله برگرداند و این آیه را جزء آیات اعجاز علمی قرار داد؟

دكتر رضایی:

 اگر اثبات شود كه مثلاً علم به حركت زمین از یونان به عربستان منتقل نشده، این ادعا صحیح است و آیه اعجاز علمی است؛ لكن اگر كسی به عنوان مخالف ادعا نماید كه احتمال دارد این سخنان توسط كاروان های تجاری ای كه به شام رفت و آمد داشته اند به گوش پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله رسیده و ایشان نیز آن را بیان كرده اند، این مورد اعجاز علمی را از بین می برد؛ امّا مواردی را كه یقیناً قبل از اسلام مطرح نشده و به عربستان نرسیده است، می توان اعجاز علمی قرآن دانست.

در مورد ضمیر «مثله» نیز مفسران احتمال داده اند كه به قرآن یا به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله برگردد؛ ولی آن، بُعدِ دیگر اعجاز است كه معارف بلند از فردی اُمّی صادر شود.

با توجه به این بیان كه اعجاز قرآن، یعنی آنچه كه قرآن فرموده است، در آن زمان مطرح نبوده، نمی توان نتیجه گرفت كه با كشف تدریجی مباحث علمی، در آینده بگوییم قرآن اعجاز علمی ندارد؟

دكتر رضایی:

 اعجاز علمی هر موضوع، با توجه به تاریخ كشف علمی و تاریخ نزولی قرآن است؛ یعنی اگر قرآن هزار و چهار صد سال قبل، از نیروی جاذبه ای سخن گفت كه نیوتن در قرن هفدهم كشف كرد، این اعجاز همیشه معجزه است و كهنه و تمام نمی شود. هر كشف تازه ای نیز همین گونه است.

قبل از كشف جاذبه ی نیوتن، این مسئله، از طرف قرآن توسط پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله اعلان شده بود، كه این اعجاز قرآن را اثبات می كند و لازم نیست كه این عدم اطلاع از جاذبه ی نیوتن، بعد از نیوتن هم استمرار داشته باشد.

دكتر رفیعی:

 قرآن كریم در سه مرحله تحدّی (به مبارزه طلبیدن) كرده است:

١. ابتدا همگان را به آوردن كتابی به مانند قرآن دعوت می كند؛ [٧]

٢. در بخشی دیگر همگان را به آوردن «ده» سوره مثل قرآن دعوت می كند؛ [٨]

٣. در نهایت از مردم می خواهد كه «یك سوره به مانند قرآن بیاورید. [٩]

از قدیم، این بحث بین دانشمندان علوم قرآنی مطرح بوده است كه آوردن یك سوره مثل قرآن، از چه جهت است؛ فقط از جهت بلاغت و فصاحت است، یا سایر وجوه را هم در خود جای می دهد؟

اعجاز علمی، یعنی آنچه كه قبلاً در نقطه ای از جهان مطرح نشده باشد؛ یكی از موارد اعجاز قرآن را اشتمال بر تاریخ گذشتگان می دانیم؛ مانند داستان حضرت یوسف عليه‌السلام [١٠] و حضرت موسی عليه‌السلام [١١] كه یقیناً این داستان ها در گذشته، در تورات و انجیل، و بین مردم، معروف و مطرح بوده است.

ما باید در این جا یك اصول مبنایی را قبول كنیم، سپس وارد بحث اعجاز علمی و رابطه ی آن با تفسیر علمی شویم، و آن اصل مبنایی عبارت است از این كه قرآن از جانب خدا بر یك شخص اُمّی كه خواندن و نوشتن نمی دانسته، نازل شده است. وقتی این اصل را مسلّم گرفتیم، رابطه ی تفسیر علمی با اعجاز علمی روشن می گردد و آن این كه، كلیه ی آیاتی كه بیان كننده ی مطالب و اخبار و گزاره های علوم تجربی است ـ كه در حال حاضر، یا در آن زمان، هیچ مطرح نبوده یا به صورت كم رنگ و غلط در جای دیگر مطرح بوده است ـ توسط رسول گرامی اسلام، در قالب آیاتی كه بر او نازل گردیده، مطرح شده است.

مرحوم آیة الله خویی (ره) در مورد اعجاز قرآن می فرماید:

قرآن در آیات زیادی، از قوانین هستی و رموز طبیعت، اجرام آسمانی و موضوعات دیگر، بحث های زیادی نموده است؛ به طور مسلّم، اطلاع از چنین سُنَن و قوانین، جز از طریق وحی امكان نداشت. [١٢]

## پی نوشت ها:

[١] . سوره ی بقره، آیه ی ٢٣.

[٢] . ابولقاسم خوئی، مرزهای اعجاز، ترجمه ی جعفر سبحانی، ص ١١٥.

[٣] . سوره ی یس، آیه ی ٣٦.

[٤] . سوره ی زخرف، آیه ی ١٢.

[٥] . محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن.

[٦] . سوره ی نمل، آیه ی ٨٨.

[٧] . سوره ی طور، آیه ی ٣٤.

[٨] . سوره ی هود، آیه ی ١٣.

[٩] . سوره ی بقره، آیه ی ٢٣.

[١٠] . سوره ی یوسف، آیات ٤، ٧، ٩، ١٠، ١١، ١٧، ٢٩.

[١١] . سوره ی بقره، آیه ی ٥٠ ـ ٢٤٨.

[١٢] . البیان، ص ٧٢.

## ادله ی منكرین آیات علمی

نظر كسانی كه منكر وجود آیات علمی در قرآن اند، در این زمینه چیست؟

دكتر رضایی:

 آنها عمدتاً چهار اشكال آورده اند:

١. مطالب علمی ثابت می كند كه قرآن از طرف خدا نازل شده است؛ امّا معجزه ی قرآن را ثابت نمی كند؛

٢. در تمام سوره های قرآن اعجاز علمی وجود ندارد، در حالی كه باید اعجاز در تمام سوره ها باشد؛

٣. اعجاز علمی، مخصوص اهل علم و اهل تخصّص است و افراد عادی این مطلب را متوجّه نمی شوند؛

٤. این مطلب با مبحث تفسیر علمی قرآن مخلوط شده است. [١]

پاسخ اشكال اوّل: قرآن كریم با تورات و انجیل فرق دارد؛ تورات، انجیل و قرآن از طرف خدا نازل شده اند؛ لكن قرآن معجزه است، ولی تورات وانجیل معجزه نیستند؛ به عبارت دیگر، قرآن دو چیز را اثبات می كند: ١. قرآن كلامی الهی است؛ ٢. قرآن معجزه ی پیامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله است؛ یعنی اگر كسانی می توانستند مثل تورات و انجیل، بیان و آیه ای بیاورند. لكن همانند قرآن نمی توانند بیاورند. پس قرآن رازگویی های علمی دارد كه كسی نمی تواند در طول زمان مثل آن را بیاورد.

منظور شما تورات و انجیل تحریف شده است یا تورات و انجیل اصیل؟ به نظر می رسد، همین كه تورات و انجیل اصیل، كلام الهی بوده است و خداوندنیاز دانسته است كه آن را برای بشر بیان نماید دلیل بر این است كه خود بشر نمی توانسته به آن برسد، نظر شما در این زمینه چیست؟

دكتر رضایی:

 در این جا دو مطلب وجود دارد:

١. گاهی گفته می شود كه مثلاً عقل عادّی بشر به چند فرمان تورات نمی رسد؛

٢. گاهی گفته می شود كه در تورات، رازگویی های علمی ای كه هنوز كشف نشده است وجود دارد و آنها اعجاز ند. ما قایل ایم كه قرآن كریم، دارای چنین مطالب علمی و نیز فصاحت و بلاغت است؛ هم چنان كه خود قرآن این ادعا را دارد و دیگران را به مبارزه می طلبد، ولی تورات و انجیل فعلی این گونه نیستند.

پاسخ اشكال دوّم: در اشكال دوّم گفته اند كه مطالب اعجاز علمی در همه ی سوره ها نیست، در حالی كه «تحدّی» قرآن در مورد تمام سوره های قرآن است. باید گفت كه در مورد همه ی ابعاد اعجاز قرآن این نكته وجود دارد؛ مثلاً آیا در تمام سوره های قرآن، در مورد اخبار غیبی و یا قوانین عالی و محتوای عالی قرآن كه جزء وجوه اعجاز قرآن است، مطالبی وجود دارد؟ در پاسخ می گوییم: خیر، بسیاری از مطالبی كه در وجوه اعجاز قرآن گفته شده است، همانند مسئله ی اعجاز علمی، در همه ی سوره ها نیست؛ پس اعجاز علمی با كل قرآن سنجیده و اعلام می شود.

جوابی كه داده شد جوابی نقضی است، به نظر می رسد جواب دیگری نیز می توان داد و آن این كه وقتی ما می گوییم قرآن از این ابعاد معجزه است، یعنی مجموع قرآن دارای اعجاز است؛ نظر شما چیست؟

دكتر رضایی:

 ممكن است بعضی از نكات علمی قرآن هنوز كشف نشده باشند و بعدها كشف شوند؛ از طرف دیگر، لازم نیست كه وجوه اعجاز در تمام سوره ها باشد؛ زیرا همان طوری كه گفته شد، بعضی از احكام و قوانین غیبی و عالی در تمام سوره ها نیست؛ بنابراین، در بحث اعجاز علمی، قرآن در مجموع معجزه است.

پاسخ اشكال سوم: در اشكال سوم مطرح نمودند كه اعجاز مخصوص اهل علم و متخصّصان است و ممكن است مردم عادی، متوجّه این مطلب نشوند. این مطلب ممكن است در مورد بقیه ی وجوه اعجاز قرآن نیز گفته شود؛ مثلاً آیا فصاحت و بلاغت قرآن را كه یكی از اصلی ترین مباحث اعجاز قرآن است، تمام بشر متوجّه می شوند؟ جواب منفی است؛ شخص باید ادیب باشد تا فصاحت و بلاغت قرآن را متوجه شود. بحث اعجازعلمی قرآن نیز همین طور است.

پاسخ اشكال چهارم: امّا اشكال چهارمی كه مطرح كردند این كه ممكن است تفسیر علمی با اعجاز علمی مخلوط شود. اگر چه این خلط ممكن است، لكن باید توجّه نمود كه بحث اعجاز از بحث تفسیر علمی جدا شود؛ زیرا هدف تفسیر علمی، روشن كردن مقاصد و معانی آیات قرآن است؛ هر چند ممكن است گاهی یكی از اهداف تفسیر علمی هم، اثبات اعجاز علمی قرآن باشد.

## عدم استقبال از تفسیر علمی طنطاوی

به چه دلیل تفسیر طنطاوی مورد استقبال واقعی قرار نگرفته است؟

دكتر رفیعی:

 طنطاوی از دانشمندان قرن سیزدهم هجری در مصر است. در تفسیر الجواهر ـ كه بیست و شش جلد است ـ و در كتاب القرآن و العلوم العصریة، مطالب علمی زیادی را مطرح كرده است. اولاً ایشان در این تفسیر، علم زده و منفعل واقع شده و به نظر خودش، با نیت خیر كار خود را آغاز كرده و قایل است كه مسلمانان باید برای دفاع از قرآن و اسلام در مقابل تمدّن مهاجم غرب به علوم جدید مسلح شوند؛ لكن به حدّی شأن علوم طبیعی را بالا برده است كه در مقدمه ی تفسیر جواهر می گوید:

علوم طبیعی، همان علم توحید، همان علم دین، همان حب خداوند، رسیدن به خدا، پیش رفت ملّت ها و دوستی خداوند، خشیت از او، ترقّی ملّت ها در دنیا، برتری آنها در آخرت از نظر مقام، رسیدن به لقاءالله، بهره برداری از نظر وجه اللهی است و رسیدن به تمام این ها با این علوم امكان پذیر نیست. [٢]

به قول ذَهَبی:

تفسیر طنطاوی بیش از آن كه مورد قبول واقع شود، مورد نقد و خشم و اعتراض واقع شد. [٣]

و به تعبیر دكتر «فهد رومی»:

طنطاوی در این تفسیرش، تصاویر فراوانی از افلاك، سیارات، خورشید، ماه، آب ها، درختان، حشرات، ماهی ها، گیاهان، اجزای بدن انسان، جدول های ریاضی، شیمی، فیزیك، فلكی و نقشه های جغرافیایی را می كشد و بیش از آن كه متوجه این باشد كه مراد آیه را بیان كند، استشهادش به همین مسائل، یعنی تصاویر و جدول های كتاب هزار و یك شب و كلیله و دمنه و جمهوریت اخوان الصّفا و مطالب انجیل و تورات، و... بیش از آن چیزی است كه از خود آیات استفاده می شود. [٤]

به قول یكی از نویسندگان معاصر كه می گوید:

اگر چه نگارش طنطاوی، علمی و علم آلود است، ولی نگرش طنطاوی علمی نیست. طنطاوی، در این تفسیر، آنچه كه باید در تبیین آیات علمی داشته باشد، افراط نموده و این تفسیر را از مطالبی پر كرده كه بعضاًَ شبه علمی است و نمی توان آنها را علمی خواند، دلیل مخالفان هم ممكن است همین باشد. [٥]

ذهبی می گوید:

الجواهر، دایرة المعارف علمی است كه در آن از هر علم و فنی، به مقدار زیاد سخن گفته شده است.

و در جای دیگر می گوید:

همه چیز، غیر از تفسیر، در آن می باشد. [٦]

بنده تحت چند عنوان، ویژگی های تفسیر طنطاوی را بر می شمارم:

١. تكیه ی بیش از حد بر علوم تجربی، علم زدگی و ثابت پنداشتن فرضیه های علمی.

در تفسیر حروف مقطعه ی قرآن مطالبی دارد كه اصلاً نمی توان از قرآن دلیل بسیار قوی برای آن یافت؛ مثلاً در تفسیر سوره ی مباركه ی «طه» می گوید:

«دو عبارت «ط» و «ه»، رمزی برای بررسی دروس علوم ریاضی، طبیعی و نجوم است؛ در حالی كه هیچ ارتباطی با این دروس ندارد. یا در ارتباط با تفسیر «الف، لام، میم» در آغاز سوره ی مباركه ی بقره می گوید:

این حروف به جهاد و علوم طبیعی اشاره دارد.

یعنی در سوره ی بقره دو چیز وجود دارد: یكی جهاد و دیگری علوم بشری، كه خداوند متعال قبل از شروع سوره، در غالب عبارت «ا، ل، م،» به آن اشاره كرده است، این ادّعا رد شده است؛ زیرا به موضوع اشاره نكرده است. یا در بحث (خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مارِجٍ مِنْ نار)، بحث تركیب نورهای هفت گانه و شعله های لرزان و... را مطرح كرده [٧] و این فرضیه های ثابت نشده را به قرآن تحمیل نموده است.

٢. در تفسیر ایشان، تفسیر به رأی و به كار بستن سلیقه و نظر شخصی وجود دارد. در موارد بسیاری، ایشان دیدگاه های فردی خود را بر یك آیه تحمیل كرده و منجر به تأویل شده است.

٣. در تفسیر ایشان، خود باختگی در برابر فرهنگ غرب وجود دارد؛ هر چند به جهت دل سوزی مسلمانان است. ایشان قایل است مسلمانان باید در مقابل فرهنگ غرب مجهّز باشند و یكی از راه های تجهیز را تفسیر قرآن بر اساس علوم روز و ایستادن در مقابل دانش امروز غرب می داند. این مطلب صحیح به نظر نمی رسد.

٤. ایشان، هدف اصلی قرآن را، كه هدایت و تربیت بشر است، فراموش كرده و بیش تر به مباحث علمی، مانند علوم فقهی و مباحث شبه علمی و فرا روان شناسی پرداخته است. بسیار تحت تأثیر تحلیل هیپنوتیسم و احضار ارواح قرار گرفته است؛ اما درباره ی توحید، و آیات اخلاقی، به یك تفسیر لفظی، شرح مفردات و ترجمه ی ساده اكتفا كرده است.

٥. بحث های علمی را اصل و آیات را فرع قرار داده است.

٦. برداشت هایش، كه ناشی از همان تطبیق ایشان است، با قرآن كریم ناسازگار است. قرآن كریم آیات را مكمّل یك دیگر دانسته و اختلاف در آن را رد نموده است؛ امّا برداشت های ایشان منجر به اختلاف شده اند.

٧. مطالب بی ارتباط با تفسیر، مانند مناظر طبیعی، حیوانات، تصاویر و... در آن وجود دارد؛ لذا احمد حنفی می گوید:

گرچه من تلاش پاك و صادقانه ی مرحوم استاد طنطاوی را ستایش می كنم، ولی وی در بیان علوم مختلف، زیاده روی كرده است، تا آن جا كه از حدود معانی آیات تجاوز نموده است. [٨]

یكی از دانشمندان معاصر نیز می گوید:

اگر كسی مختصر آشنایی با قرآن و ترجمه ی آن داشته باشد و وارد تفسیر طنطاوی شود، می بیند كه او به شدّت در برابر فرهنگ غرب، به جای دفاع، به خود باختگی مبتلا شده است. [٩]

دكتر رضایی:

 در مورد تفسیر طنطاوی یك نكته ی اساسی وجود دارد كه ممكن است ریشه ی مشكلات تفسیر او در همین باشد. ما بحثی با عنوان تفاوت بین روش تفسیر و گرایش تفسیر داریم؛ روش تفسیر این است كه مطالب علمی را در خدمت آیات علمی قرآن دهیم و برای فهم بهتر قرآن استخدام كنیم؛ امّا گرایش تفسیر علمی این است كه مطالب مختلفی را جمع كرده و داخل تفسیر قرار دهیم؛ در حالی كه ممكن است ارتباط چندانی با آیه نداشته باشد و تفسیر آیه را روشن تر نكند. در حقیقت، تفسیر طنطاوی از جمله تفسیرهایی است كه داخل گرایش تفسیر علمی قرار می گیرد؛ یعنی طنطاوی برای فهم بهتر آیات قرآن، از مطالب علمی استفاده نكرده است، بلكه انباری ساخته است كه مطالب مختلف علمی را به صورت دایرة المعارف، داخل آن قرار داده است.

## پی نوشت ها:

[١] . ر.ك: محمد علی رضایی اصفهانی، درآمدی به تفسیر علمی قرآن، ص ١٦٨ ـ ١٧٨.

[٢] . طنطاوی، تفسیر جواهر، ج ١٧، ص ١٧.

[٣] . ذهبی، همان، ج ٢، ص ٥٦٦.

[٤] . فهد رومی، انجاهات، ج ٢، ص ٦٥٠.

[٥] . بهاءالدین خرمشاهی، تفسیر و تفاسیر جدید، ص ١٠٨.

[٦] . ذهبی، همان، ج ٢، ص ٥٥٦.

[٧] . ر.ك: طنطاوی، تفسیر الجواهر.

[٨] . احمد حنفی، التفسیر العلمی الایات الكونیه فی القرآن، ص ٧.

[٩] . محمد تقی مصباح، جهان شناسی، ص ٥.

## عوامل روی كرد به تفسیر علمی

با توجه به این كه تفاسیری مانند تفسیر طنطاوی مورد نقد قرار گرفته اند، ولی می بینیم كه در قرن های اخیر، استقبال بیش تری از تفسیر علمی شده است و حتی تفاسیر جدید، بیش تر از تفاسیر قبلی به مسائل علمی پرداخته اند؛ به نظر شما عوامل و علل روی كرد به تفسیر علمی در قرن اخیر چیست؟

دكتر رضایی:

 عوامل مختلفی وجود دارد:

١. زمینه ی اساسی، همان رشد علوم تجربی در قرون اخیر است.

از قرن (١٦ـ ١٧م) علوم تجربی در غرب رشد نمود و از مصر و هند به كشورهای اسلامی آورده شد؛ مسلمانان از طریق ترجمه ها و مطالعات و افرادی كه برای تحصیل به غرب می رفتند، با این مسائل آشنا شدند. وقتی این مطالب وارد كشورهای اسلامی شدند و در كنار آیات قرآن و روایات و احادیث قرار گرفتند، نگرش نوینی برای مطالب و آیات قرآن پدید آمد و مسلمانان دریافتند كه با استفاده از بعضی از این مطالب و با پیروی از روش صحیح می توان مطالب وآیات قرآن را بهتر فهمید؛ یعنی منجر به استخدام علوم در فهم قرآن می شود. بر این اساس گروهی از مفسّرین برای روشن كردن آیات قرآن، از مطالب جدید و قطعی و ثابت شده ی علمی بهره می گیرند.

٢. دفاع دانشمندان اسلامی از قرآن و اسلام با طرح انطباق قرآن با علوم تجربی؛ دانشمندان خواسته اند نشان دهند كه قرآن قرن ها قبل به بسیاری از مطالب علمی، اشاره كرده است و با علم مخالف نیست. البته در این زمینه افراط هایی صورت گرفته است كه نمونه ی آن تفسیر طنطاوی است.

٣. مسئله ی اثبات اعجاز علمی قرآن.

٤. انحراف برخی از مسلمانان؛ «علامه طباطبایی (ره)» در این زمینه می فرماید:

وقتی كه اصالت حس در اروپا پیروز شد و یك نوع بی توجّهی به ماوراء الطبیعة پیدا شد، بسیاری از منحرفین مسلمان كه تحت تأثیر شدید این فرهنگ قرار گرفته بودند، برای انكار ماوراء الطّبیعة، به سراغ قرآن و علم رفتند، و خواستند برخی از مطالب و معجزات قرآن را با توجیهات علمی توجیه كنند و به نحوی ماوراء الطبیعة را نپذیرند؛ برای این كه از طرفی ماوراء الطبیعة را قبول نداشتند و از طرف دیگر، فرهنگ اسلامی و قرآنی بر كشور های اسلامی حاكم بود، سعی كردند با نوعی از تحریف و التقاط، مسئله را حل كنند. [١]

مثلاً در سوره ی «فیل» كه مسئله ی «سجیل» مطرح است، وقتی «ابابیل» آمدند و «سجّیل ها» را انداختند و لشكریان ابرهه نابود شدند، برای توجیه مادّی آن می گویند سجیل ها حاصل بیماری و میكروب (آبله یا وبا) بوده اند و آن را بر سر لشكر می انداختند و فوری می مردند. [٢] در واقع این ها توجیهات مادی از معجزات پیامبران الهی است كه در قرآن ذكر شده است. این خود یك نوع انحراف و عامل گسترش نوع غلط تفسیر علمی بوده است.

## آثار مثبت و منفی تفسیر علمی

از سخنان شما این طور استفاده می شود كه این تفسیر علمی دارای آثار مثبت و منفی است، به چند اثر مثبت و منفی اشاره بفرمایید؟

دكتر رفیعی:

 اگر معیارهایی كه برای تفسیر علمی گفته شده است، رعایت نشود، آثار منفی به دنبال خواهد داشت و اگر آن معیارها و ضوابط رعایت شوند، آثار مثبت به دنبال خواهد داشت. اگر تفسیر علمی، به معنای اصل قراردادن آیات و فرع قراردادن علوم تجربی باشد و ارتباط آیات با علم، براساس ضوابط و قوانین مسلّم باشد، همه اش مثبت است؛ امّا اگر تفسیر علمی به معنای فرع قراردادن آیه واصل قرار دادن فرضیه ها، و خضوع قرآن و آیات در مقابل داده های علمی باشد، طبیعی است كه آثار منفی خواهد داشت.

آثار مثبت تفسیر علمی، پی بردن به یكی از وجوه اعجاز قرآن، مسئله ی مطرح نمودن قرآن در میان نسل جدید و كسانی كه می خواهند با نگرش دیگری به آن بنگرند، مسئله ی شمول قرآن از جنبه های مختلف، پی بردن به عظمت شخصیت نازل كننده، پی بردن به جایگاه و حقّانیت دین است. آثار منفی نیز، موجب عدم اعتقاد به آیات قرآن می شود.

## پی نوشت ها:

[١] . محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ١، ص ٧ ـ ٨.

[٢] . محمد عبده، همان، ص ١٦١.

## كتابنامه

١. قرآن.

٢. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس الغة، تحقیق عبدالسلام هارون، مكتب الاعلام الاسلامی، ١٤٠٤ ق.

٣. بوكای، موریس؛ مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ی مهندس ذبیح الله دبر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ٣، ١٣٦٥ ش.

٤. جفری، آرتور، واژه های دخیل، ترجمه ی فریدون بدره.

٥. جمعی از دانشمندان؛ العدد الاول، رسالة القرآن، قاره: انتشارات معارف، ١٩٨٣ م.

٦. حنفی، احمد؛ التفسیر العلمی الآیات الكونیة، مصر: دائرة المعارف.

٧. خرمشاهی، بهاءالدین؛ تفسیر و تفاسیر جدید، تهران: انتشارات كیهان، ١٣٦٤ ش.

٨. الخولی، امین؛ التفسیر مصالح حیات، منهجة الیوم، طبعة جماعة الكتاب، ١٩٤٤ ق.م.

٩. خویی، سیدابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالزهراء، ١٩٨٧ م.

١٠. الذهبی، محمدحسین؛ التفسیر و المفسرون، بیروت: دارالقلم، چ١.

١١. رازی، فخرالدین؛ تفسیر كبیر، بیروت: دارالكتب العلمیه، ١٩٩٠ م.

١٢. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن.

١٣. رفیعی محمدی، ناصر؛ تفسیر علمی قرآن، تهران: انتشارات فرهنگ گستر، چاپ اوّل، مجلد ٢، ١٣٧٩.

١٤. رومی، فهد؛ اتجاهات، ج ١، ریاض: ١٤٠٧ هـ . ق.

١٥. الزرقانی، محمدعبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دارالكتب العلمیه، ١٩٩٦ م.

١٦. الزركشی، بدرالدین محمدبن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفكر، ١٩٨٨ م.

١٧. سید قطب؛ فی ضلال القرآن، چ٥، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٩٦٧ م.

١٨. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان؛ الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالكتب العلمیه، ١٩٨٧ م.

١٩. الشاطبی، ابواسحاق؛ الموافقات فی اصول الاحكام، چاپ مصطفی، بی تا.

٢٠. شحاته، محمود عبدالله؛ تفسیر الایات الكونیه، قاهره: داراعتصام.

٢١. شلتوت، محمد؛ تفسیر القرآن الكریم، چ١١، بیروت: دارالشروق، ١٤٠٨ ق.

٢٢. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ١٩٩٧ م.

٢٣. الطبرسی، ابی علی الفضل بن حسن؛ مجمع البیان، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ١٤١٥ ق.

٢٤. الطنطاوی، جوهری؛ الجواهر فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالفكر.

٢٥. ـــــــــــــــ؛ القرآن والعلوم العصریه: مصر: شركة المصطفی، ١٣٧١ ق.

٢٦. عبده، محمد؛ تفسیر القرآن الكریم، (جزء عمّ) مصر: الجمعیة الحریة الاسلامیة، چ٢، ١٣٤١ق.

٢٧. غزالی، ابوحامد؛ احیاء علوم الدین، بیروت: دارالفكر.

٢٨. ــــــــــــــ ؛ جواهر القرآن، دمشق: المركز العربی للكتاب.

٢٩. الفراهیدی، خلیل بن احمد؛ كتاب العین، تحقیق از فخرومی و سامرایی، انتشارات اسوه، چ١، ١٤١٤ ق.

٣٠. فكری، علی؛ القرآن ینبوع العلوم و الفرقان، دار احیاء الكتب العربیه، ١٩٥١ م.

٣١. مدحت حافظ، ابراهیم؛ الاشارات العلمیة فی القرآن الكریم، قاهره: مكتبة غریب.

٣٢. مصباح، محمدتقی؛ معارف قرآن، جهان شناسی، قم: مؤسسه ی در راه حق، ١٣٦٢ ش.

٣٣. مظفر، محمدرضا؛ المنطق، قم: انتشارات اسماعیلیان، چ٥، ١٣٧٠ ش.

٣٤. مهاجری، مسیح؛ نظریه ی تكامل از دیدگاه قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٣٦٣ ش.

٣٥. نوری، حسین؛ دانش عصر فضا، قم: نشر مرتضی، چ١، ١٣٧٠ش.

٣٦. نوفل، عبدالرزاق؛ القرآن و العلم الحدیث، بیروت: دارالكتب العربی، ١٩٧٢ م.

فهرست مطالب

=

[شناسنامه کتاب 2](#_Toc399409159)

[مقدمه 2](#_Toc399409160)

[تفسیر در لغت و اصطلاح 5](#_Toc399409161)

[تفسیر و كشف مراد خداوند 6](#_Toc399409162)

[چیستی علم 8](#_Toc399409163)

[روش های تفسیری 9](#_Toc399409164)

[پی نوشت ها: 14](#_Toc399409165)

[اقسام تفسیر علمی 16](#_Toc399409166)

[معیار روش علمی 20](#_Toc399409167)

[معیار صحیح تفسیر علمی 23](#_Toc399409168)

[پی نوشت ها: 27](#_Toc399409169)

[ادله ی موافقان تفسیر علمی 29](#_Toc399409170)

[ادله ی مخالفان تفسیر علمی و نقد آن 32](#_Toc399409171)

[پی نوشت ها: 38](#_Toc399409172)

[هدف از مباحث علمی در قرآن 39](#_Toc399409173)

[اهداف و فواید وجودی آیات علمی قرآن چیست؟ 40](#_Toc399409174)

[موضوع آیات علمی قرآن 44](#_Toc399409175)

[پی نوشت ها: 47](#_Toc399409176)

[معنای اعجاز علمی 50](#_Toc399409177)

[معیار تشخیص اعجاز علمی 51](#_Toc399409178)

[پی نوشت ها: 55](#_Toc399409179)

[ادله ی منكرین آیات علمی 56](#_Toc399409180)

[عدم استقبال از تفسیر علمی طنطاوی 58](#_Toc399409181)

[پی نوشت ها: 63](#_Toc399409182)

[عوامل روی كرد به تفسیر علمی 64](#_Toc399409183)

[آثار مثبت و منفی تفسیر علمی 65](#_Toc399409184)

[پی نوشت ها: 67](#_Toc399409185)

[كتابنامه 68](#_Toc399409186)

[فهرست مطالب 71](#_Toc399409187)